



الگوی همت آباد را تکرار کنید!



اجرای طرح بازآفرینی شهری با مشارکت مردم در محله همت آباد به الگوی موفق کشوری در کاهش بافت‌های فرسوده بدل شده است

در یک پروژه عمرانی ممکن است شهرداری زمین را تملک کند؛ خیابان بسازد یا ساختمانی احداث کند؛ اما در بازآفرینی شهری، مردم و زندگی آن‌ها موضوع اصلی است. وقتی قرار است خانه‌ای تخریب شود و چند پلاک با یکدیگر تجمیع شوند، دیگر فقط با یک ساختمان روبه‌رو نیستیم؛ بازندگی، خاطره‌ها، سرمایه و آینده یک خانواده مواجه ایم

مصطفی خضری، مدیر دفتر بازآفرینی همت آباد



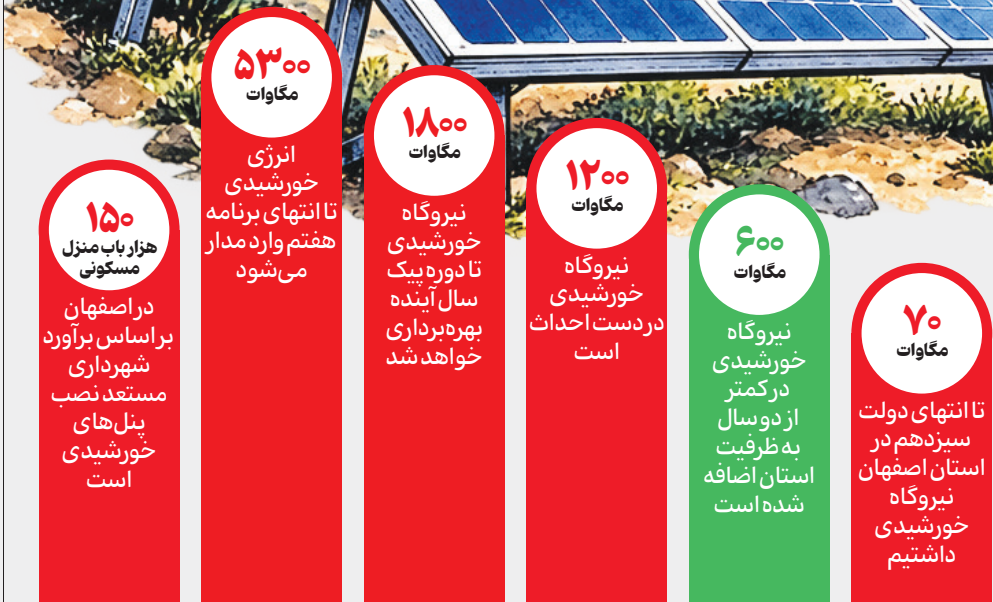
شهر زندگی ۰۴

اصفهان؛ بهشت انرژی خورشیدی در مسیر رفع ناترازی برق

دبیر میز انرژی‌های نوین استانداری اصفهان در گفت‌وگو با «اصفهان‌زیبا» از برنامه ورود پنج هزار و ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی به مدار تا پایان برنامه هفتم می‌گوید **جامعه ۰۵**

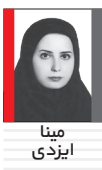
تا انتهای دولت سیزدهم در استان اصفهان تقریباً ۷۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی داشتیم؛ اما از آن زمان تا الان به ۶۷۰ مگاوات نیروگاه رسیده‌ایم؛ یعنی در کمتر از دو سال ۶۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی به ظرفیت استان اضافه شده است. برنامه این است که پنج هزار و ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی تا انتهای برنامه هفتم وارد مدار شود

ابراهیم کریمی، دبیر میز انرژی‌های نوین استانداری اصفهان



آبیاری هوشمند مرهمی بر زخم خشک سالی اصفهان

نزدیک به دوهزار و ۲۰۰ هکتار آبیاری هوشمند در استان اصفهان انجام شده است؛ اقدامی که اگر توسعه یابد، به گفته کارشناسان، ضمن کاهش ۱۰ تا ۲۰ درصدی مصرف آب، بهره‌وری تولید کشاورزی استان را در برابر خشک سالی‌های پیاپی تضمین می‌کند. اصفهان با نوسان‌های شدید دمایی و کاهش بارندگی روبه‌روست. سامانه‌های هوشمند با پیش‌بینی وضعیت هواشناسی و پایش لحظه‌ای شرایط محیطی، به کشاورز هشدار می‌دهند تا پیش از وقوع موج‌های گرمایی یا تندی‌های محیطی، تصمیم‌های مدیریتی لازم را بگیرد. استان اصفهان در حال حاضر نسبت به بسیاری از استان‌های کشور در حوزه کشاورزی هوشمند پیشرو است...



مینا ایزدی

اقتصاد ۰۲

موقوفات سرمایه‌های خاموش اقتصاد مردمی

چطور موقوفات می‌توانند بخشی از نیازهای امروز جامعه را تأمین کنند و چگونه می‌توان ظرفیت‌های اقتصادی آن‌ها را فعال کرد؟

فرهنگ عمومی ۰۶

مکاشفه‌ای برای نقد فیلم اصفهان

کتاب «مکاشفه‌ای در قاب‌ها» اثر حانیه عباسی می‌تواند به تقویت جریان نقد مکتوب سینما در اصفهان و کشور کمک کند

در دفتر تخصصی سینمای شهرداری اصفهان از ۱۳۹۶، سه سال دوره «آشنایی با مبانی نقد در سینما و هنرهای تصویری» برگزار و با استنادی شاخص در این زمینه کار کردیم. بعد از آن دوره‌ها به نظر امروز اصفهان پس از تهران و حتی فعال‌تر از مشهد و شیراز، دومین شهر کشور در حوزه نقد است

مصطفی حیدری، منتقد و کارشناس سینما



هنرهای تصویری ۰۸



خرج بی‌دخل، موتور تورم است

معاون پژوهشکده پولی و بانکی با اشاره به دشواری سیاست‌گذار پولی در شرایط جنگی گفت: بانک مرکزی باید هم‌زمان از اختلال در تولید جلوگیری و تأمین مالی کند و مانع از آن شود که هزینه‌های جنگ، کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها از مسیر خلق پول به تورم بیشتر تبدیل شود. مهدی هادیان در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر اینکه در شرایط جنگی نمی‌توان هر افزایش نقدینگی را به معنای بی‌انضباطی پولی دانست، گفت: وقتی مسیر تأمین کالا مختل می‌شود، هزینه حمل و نقل و واردات بالا می‌رود و بینگاه برای ادامه همان میزان تولید به پول بیشتری برای چرخاندن کار خود نیاز پیدا می‌کند. او افزود: حتی شبکه پرداخت نیز ممکن است در چنین شرایطی به نقدینگی بیشتری نیاز داشته باشد و اگر بانک مرکزی صرفاً با هدف کاهش نقدینگی، سیاستی کاملاً انقباضی در پیش بگیرد، ممکن است یک مشکل در تأمین کالا و تولید، به کمبود نقدینگی و بعد به کاهش تولید تبدیل شود. به گفته هادیان، این به معنای باز گذاشتن دست سیاست‌گذار برای تزریق نامحدود پول نیست.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد که حمایت پولی در شرایط جنگ باید «موقت، هدفمند، مشروط و قابل برگشت» باشد.

او توضیح داد: اگر یک نگاه سالم برای عبور از یک شوک موقت، ادامه فعالیت یا تأمین سرمایه در گردش به نقدینگی نیاز داشته باشد و امکان بازپرداخت این منابع وجود داشته باشد، حمایت از آن قابل دفاع است؛ اما اگر بانک مرکزی به محلی برای تأمین دائمی کسری بودجه، زیان شرکت‌های دولتی، زیان بانک‌های ناتراز یا برنامه‌های حمایتی بدون منبع مشخص تبدیل شود، دیگر با مدیریت بحران روبه‌رو نیستیم.

آبیاری هوشمند مرهمی بر زخم خشک‌سالی اصفهان

نزدیک به دوهزار و ۲۰۰ هکتار آبیاری هوشمند در استان اصفهان انجام شده است



مینا ایزدی

دبیر گروه اقتصاد

نزدیک به دوهزار و ۲۰۰ هکتار آبیاری هوشمند در استان اصفهان انجام شده است؛ اقدامی که اگر توسعه‌یابد، به گفته کارشناسان، ضمن کاهش ۱۰ تا ۲۰ درصدی مصرف آب، بهره‌وری تولید کشاورزی استان را در برابر خشک‌سالی‌های پیاپی تضمین می‌کند. اصفهان با نوسان‌های شدید دمايي و کاهش بارندگی روبه‌روست. سامانه‌های هوشمند با پیش‌بینی وضعیت هواشناسی و پایش لحظه‌ای شرایط محیطی، به کشاورز هشدار می‌دهند تا پیش از وقوع موج‌های گرمایی یا تنش‌های محیطی، تصمیم‌های مدیریتی لازم را بگیرد. ■

استان اصفهان در حال حاضر نسبت به بسیاری از استان‌های کشور در حوزه کشاورزی هوشمند پیشرو است. توسعه پالوت این سامانه‌ها در گلخانه‌ها که سرعت رشد محصول و حساسیت آبیاری و تغذیه در آن‌ها بسیار بالاست، می‌تواند برای کل کشور الگو ایجاد کند تا در صورت تأمین اعتبارات و زیرساخت‌های ارتباطی پرسرعت، هوش مصنوعی مدیریت کامل تغذیه و آبیاری گلخانه‌ها را بر عهده بگیرد.

■ ورود فناوری به کشاورزی اصفهان

کارشناس هماهنگی هوش مصنوعی سازمان جهاد کشاورزی اصفهان به «اصفهان زیبا» گفت: پروژه آبیاری هوشمند در استان اصفهان با پوشش تقریبی دوهزار و ۲۰۰ هکتار از آغاز تا کنون اجرا شده است. سال گذشته و امسال در اصفهان، اجرای آبیاری هوشمند به صورت پالوت و گسترش دهی دنیال می‌شود؛ در برخی مکان‌ها به صورت محدود اجرا انجام شده است تا تحقیقات کامل شود. زهرا اسکندری بیان کرد: در روش سنتی کشاورز بر اساس نیاز گیاه و نوع محصول، با فواصل زمانی مشخص به آبیاری می‌پرداخت؛ اما آبیاری هوشمند با ترکیب داده‌های هواشناسی، داده‌های خاک از طریق سنسور، میزان آب موجود در خاک و نیاز آبی گیاه، به همراه فرمول‌های ویژه هر

محصول، تصمیم‌گیری و نتیجه‌رایی کشاورز اعلام می‌کند. این سیستم هشدار می‌دهد که چه زمانی و چه مقدار آبیاری انجام شود؛ تأخیر یا جلو افتادن آبیاری به مدت یکی دو روز می‌تواند منجر به مصرف آب کمتر و افزایش بهره‌وری شود. کارشناس هماهنگی هوش مصنوعی سازمان جهاد کشاورزی اصفهان خاطرنشان کرد: در روش سنتی، کشاورز بر اساس تجربه شخصی، مثلاً هر هفت یا ۱۰ روز یک بار، اقدام به آبیاری می‌کرد؛ اما در سیستم هوشمند، داده‌های هواشناسی، اطلاعات سنسورهای رطوبت خاک در اعماق مختلف و نوع محصول (هر گیاه فرمول نیاز آبی ویژه خود را دارد) به یک سامانه داده می‌شود. این سامانه داده‌ها را تحلیل و تلفیق کرده و در قالب هشدار به کشاورز اعلام می‌کند که چه زمانی آبیاری را انجام دهد. او افزود: همین جابه‌جایی یک تا دو روزه منجر به صرفه‌جویی در مصرف آب و افزایش بهره‌وری آب می‌شود. میزان صرفه‌جویی بسته به نوع محصول متفاوت است و به‌طور میانگین به حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد می‌رسد. به‌طور معمول در گلخانه‌ها داده‌ها به صورت

لحظه‌ای ثبت می‌شود و این داده‌ها در تصمیم‌گیری دخالت دارند.

■ چالش‌های اجرای طرح

کارشناس هماهنگی هوش مصنوعی سازمان جهاد کشاورزی اصفهان گفت: سامانه آبیاری هوشمند در گلخانه‌ها به صورت پالوت ارائه شده است. هدف نهایی، پیاده‌سازی هوش مصنوعی کامل در آبیاری و تغذیه گلخانه‌ها و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده‌های خاک و محصول است. این طرح در فضای بازار اجرا شده، اما در گلخانه‌ها به دلیل محدودیت اعتبارات هنوز به‌طور کامل پیاده نشده است. اسکندری خاطرنشان کرد: یکی از چالش‌های اصلی، تأمین اعتبار برای زیرساخت‌ها و اجرای کردن هوش مصنوعی است؛ همچنین نیاز به توسعه زیرساخت‌های داده‌ای و ثبت هم‌زمان داده‌ها در گلخانه‌ها وجود دارد تا سیستم بتواند به‌روز عمل کند. او اذعان کرد: همکاری با دانشگاه اصفهان، مرکز رشد، شهرک‌های علمی تحقیقاتی و شرکت‌های فناوریانه برای



توسعه و اجرایی‌شدن هوش مصنوعی در کشاورزی در حال انجام است. تفاهم‌نامه‌ها و حضور تیم‌های متعدد برای گسترش فناوری وجود دارد تا به نهاد‌های اجرایی و کشاورزان خدمات ارائه کنند.

■ اصفهان؛ پیشرو در زمینه اجرای طرح

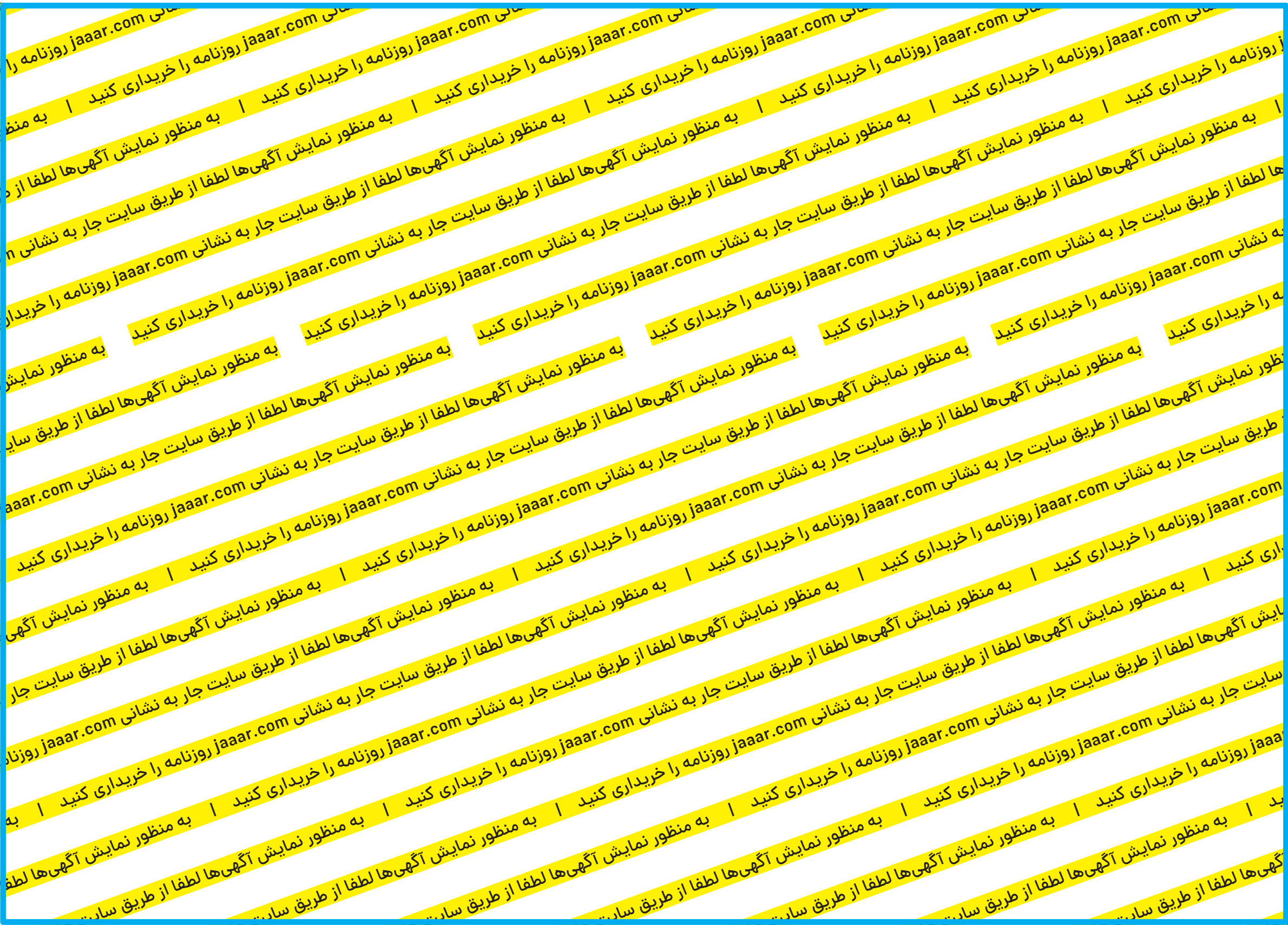
کارشناس هماهنگی هوش مصنوعی سازمان جهاد کشاورزی اصفهان عنوان کرد: استان‌های دیگر مانند فارس نیز وارد پروژه شدند و اصفهان به عنوان پیشرو در این زمینه مطرح است. اسکندری گفت: کشورهای دیگر در حوزه کشاورزی (مانند مالزی، هند، کانادا و استرالیا) پیشرفت‌های زیادی در این بخش داشته‌اند و بررسی کاربردها و تجربه‌های آن‌ها مدنظر است. او افزود: بحث امنیت غذایی و امنیت داده‌ها مطرح است و به دنبال گسترش و بهبود پروژه‌ها از طریق افزایش همکاری و منابع مالی و فناوری هستیم. طرح‌های آینده شامل گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف کشاورزی و افزایش حضور فناوری در دستور اجراست.

پیش‌بینی ساخت ۷۵ هزار واحد مسکن استیجاری



وزیر راه و شهرسازی از آغاز ساخت ۹۴ هزار واحد مسکن کارگرمی و پیش‌بینی ساخت ۷۵ هزار واحد مسکن استیجاری خبر داد و گفت که در گام نخست شش هزار واحد مسکن استیجاری به زوج‌های جوان اختصاص می‌یابد. فرزانه صادق با اشاره به برنامه‌های دولت در حوزه مسکن کارگرمی اظهار کرد: در کنار مسکن حمایتی و مسکن محرومان، ساخت ۹۴ هزار واحد مسکن کارگرمی را نیز با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و کارخانه‌ها آغاز کرده‌ایم. وزیر راه و شهرسازی افزود: در این طرح، اراضی یا از سوی وزارت راه و شهرسازی تأمین می‌شود یا کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی زمین مورد نیاز را در اختیار دارند و تسهیلات ویژه‌ای نیز از سوی آن‌ها برای کارگرانشان در نظر گرفته می‌شود.

صادق ادامه داد: علاوه بر این، زمین مورد نیاز برای حدود ۲۰۰ هزار واحد دیگر نیز شناسایی شده و مسکن کارگران را در کنار سایر برنامه‌ها پیش خواهیم برد. او همچنین از اجرای طرح ۵۰ هزار واحدی مسکن محرومان توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خبر داد و گفت: اراضی ۴۰ هزار واحد از این تعداد توسط سازمان ملی زمین و مسکن تأمین شده و عملیات اجرایی ۱۸ هزار واحد نیز آغاز شده است. وزیر راه و شهرسازی افزود: این ۵۰ هزار واحد مسکن محرومان با همان تسهیلات کم‌بهره بنیاد مسکن پیش می‌رود و هزینه‌های آماده‌سازی از متقاضیان دریافت نخواهد شد. تسهیلاتی که برای ۳۵۰ هزار واحد مسکن محرومان در نظر گرفته شده نیز در این بخش قابل استفاده است. صادق با اشاره به برنامه دولت برای توسعه مسکن استیجاری گفت: اقدام دیگری که در حوزه عرضه و تقاضا آغاز کرده‌ایم، طرح مسکن استیجاری است که با وجود قوانین و مقررات مربوط به آن، طی بیش از ۲۰ سال گذشته دولت‌ها کمتر به سمت اجرای آن رفته‌اند. او تأکید کرد: برای خانه‌دار کردن مردم، به ویژه دهک‌های پایین و زوج‌های جوان، تنها راه، مالکیت نیست. مسکن استیجاری با دوره اجاره چهار تا پنج ساله و اجاره‌هایی کمتر از نرخ بازار می‌تواند به حل مشکل سکونت مردم، به خصوص دهک‌های یک تا پنج، کمک کند.



مدیریت شهری

esfahan ziba online

صحنه‌ان زیبا

شماره ۵۴۴۹

۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۵

چهارشنبه

ویزاستار / عذرا دیانی



محمد صیرفی نژاد
مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان

روکش ۸۰هزار مترمربع از معابر فرعی منطقه ۱۰ اصفهان باتمركز

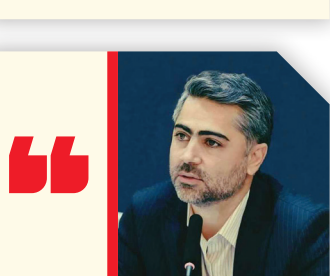
مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان گفت:از ابتدای سال جاری تاکنون ۸۰ هزار مترمربع از معابر فرعی این منطقه با مصرف هشت هزار تن آسفالت و اعتباری بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال روکش شده است و در اجرای این طرح، محله‌های کم‌برخوردار و معابر نیازمند بهسازی در اولویت قرار داشته‌اند. محمد صیرفی نژاد اظهار کرد: از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۸۰ هزار مترمربع از معابر فرعی منطقه ۱۰ روکش آسفالت شده و برای اجرای این حجم از عملیات حدود هشت هزار تن آسفالت مورد استفاده قرار گرفته که مجموع اعتبار هزینه شده برای این اقدام‌ها نیز بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال بوده است. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان ادامه داد: نکته مهم در این عملیات صرفا میزان آسفالت اچراشده نیست؛ بلکه محل هزینه‌کرد این اعتبار و اولویت بندی معابر نیز برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد و تلاش کرده‌ایم تقاطعی که مدت بیشتری با مشکلات ناشی از فرسودگی آسفالت مواجه بوده‌اند و به ویژه معابر واقع در محله‌های کم‌برخوردار در برنامه اجرایی قرار گیرند. صیرفی نژاد با اشاره به تفاوت نیازهای محله‌های مختلف منطقه تصریح کرد: منطقه ۱۰ مجموعه‌ای متنوع از محله‌ها را در خود جای داده و طبیعی است که شرایط و نیازهای عمرانی همه نقاط یکسان نباشد؛ بنابراین تسخه واحدی برای تمام معابر نمی توان در نظر گرفت و اولویت ما این است که منابع را به سمت تقاطعی هدایت کنیم که فاصله بیشتری با شرایط مطلوب دارند و اجرای عملیات در آن‌ها اثر ملموس تری برای ساکنان ایجاد می‌کند. او خاطرنشان کرد: معابر فرعی شاید در مقایسه با شریان‌های اصلی شهر کمتر دیده شوند؛ اما برای ساکنان محله‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و شهروندی که هر روز از یک گذر محلی عبور می‌کند، کیفیت آسفالت همان معبر را بخشی از کیفیت زندگی خود می‌داند؛ ازاین رو، در برنامه ریزی عمرانی منطقه تلاش شده است توجه به معابر محلی و فرعی در کنار پروژه‌های بزرگ‌تر شهری استمرار داشته باشد. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با بیان اینکه عملیات روکش آسفالت علاوه بر بهبود وضعیت ظاهری معابر، آثار مستقیم‌تری بر تردد شهروندان دارد، گفت: کاهش ناهمواری‌های سطح معابر، افزایش ایمنی عبور و مرور، کاهش استهلاک خودروها و ایجاد شرایط مناسب‌تر برای تردد، از جمله نتایج اجرای این طرح هاست. درواقع ممکن است یک پروژه آسفالت در مقیاس شهری پروژه‌ای بزرگ به نظر نرسد؛ اما برای ساکنان یک محله می‌تواند یک تغییر محسوس و روزمره ایجاد کند. صیرفی نژاد تأکید کرد: ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار صرف‌شده در این بخش درواقع سرمایه‌گذاری برای حفظ و ارتقای زیرساخت‌های موجود شهر است و نگهداشت صحیح معابر موجب می‌شود از تشدید فرسودگی و تحمیل هزینه‌های بیشتر در آینده جلوگیری شود و شهروندان نیز از معابری ایمن‌تر و باکیفیت‌تر استفاده‌کنند. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان افزود: بررسی وضعیت معابر سطح منطقه، دریافت درخواست‌ها و مطالبه‌های شهروندان و ارزیابی‌های کارشناسی همچنان ادامه دارد و بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده عملیات لگه‌گیری، ترمیم و روکش آسفالت در نقاط مورد نیاز دنبال خواهد شد. او در پایان گفت: هدف ما این است که نتیجه اقدام‌های عمرانی برای شهروندان قابل لمس باشد؛ به‌گونه‌ای که شهروند در محله خود آثار اجرای طرح‌های نگهداشت و توسعه شهری را در کیفیت معبر، سهولت تردد و شرایط عمومی معین‌پیرامونش مشاهده کند و توجه ویژه به محله‌های کم‌برخوردار نیز در همین چهارچوب دنبال می‌شود تا خدمات شهری متناسب با نیازها و اولویت‌های هر محله توزیع شود.



هوشنگ نظری پور
مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان

پیگیری یک مطالبه شهروندی؛ تکمیل روشنایی مسیر میدان اندوان

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان از تکمیل روشنایی مسیر میدان اندوان تا میدان عروج شمس (راه خبر داد و گفت: این اقدام در پی طرح درخواست شهروندان در جلسه نهضت پاسخ‌گویی و با پیگیری شهرداری منطقه و همکاری اداره برق انجام شد. هوشنگ نظری پور اظهار کرد: پس از طرح این مطالبه، موضوع از سوی شهرداری منطقه ۱۵ پیگیری و با همکاری اداره برق، عملیات تکمیل روشنایی این مسیر انجام شد و اکنون این محور از روشنایی مناسب‌تری برخوردار است. مدیر شهرداری منطقه ۱۵ اصفهان با تأکید بر اهمیت ارتقای ایمنی و کیفیت تردد شهروندان در معابر، تصریح کرد: تأمین روشنایی مناسب معابر علاوه بر افزایش ایمنی تردد در ساعات شب، در ارتقای کیفیت محیط شهری و افزایش رضایتمندی شهروندان نیز نقش مؤثری دارد. نظری پور خاطرنشان کرد: رویکرد مدیریت شهری منطقه ۱۵، شنیدن مطالبه‌ها، پیگیری موضوع‌ها و ارائه پاسخ عملی و ملموس به شهروندان است و موارد مطرح شده در جلسه‌های نهضت پاسخ‌گویی تا حصول نتیجه، در حد امکان و با همکاری دستگاه‌های مرتبط دنبال خواهد شد.



محمد حسین مفاری
متخصص مغز و اعصاب و دبیر انجمن اسلامی پزشکان استان اصفهان

اصفهان می‌تواند الگوی سلامت شهری ایران باشد

متخصص مغز و اعصاب و دبیر انجمن اسلامی پزشکان استان اصفهان با تأکید بر ضرورت تغییر نگاه به مدیریت سلامت گفت: سلامت شهروندان نباید صرفا به زمان مراجعه آن‌ها به پزشک و بیمارستان محدود شود؛ بلکه باید از محیط شهری و سبک زندگی مردم آغاز شود. محمد حسین مفاری اظهار کرد: وقتی از سلامت شهری صحبت می‌کنیم، منظور فقط تعداد بیمارستان‌ها و پزشکان نیست؛ آلودگی هوا، حمل‌ونقل، فضای سبز، امکان فعالیت بدنی، تغذیه، سلامت روان و دسترسی عادلانه به خدمات پزشکی نیز مستقیما با سلامت مردم ارتباط دارند. او افزود: اگر می‌خواهیم شهروند سالم‌تری داشته باشیم، باید بخشی از فرایند پیشگیری را پیش از بیمار شدن افراد آغاز کنیم؛ به همین دلیل، سلامت باید وارد متن تصمیم‌گیری‌های شهری شود. دبیر انجمن اسلامی پزشکان استان اصفهان با اشاره به ظرفیتی علمی و درمانی اصفهان گفت: این استان از ظرفیت فراوانی در حوزه پزشکی و دانشگاه برخوردار است و می‌تواند از یک قطب درمانی صرف، به الگویی برای سلامت شهری در کشور تبدیل شود.

فصاری پیشگیری از بیماری‌های مزمن، سالمندی سالم، سلامت روان، کاهش عوامل خطر بیماری‌ها و استفاده از فناوری و داده در مدیریت سلامت را از مهم‌ترین محورهای سلامت شهری دانست و گفت: برای تحقق این اهداف، همکاری میان مدیریت شهری، دانشگاه علوم پزشکی، جامعه پزشکی، سازمان بیمه‌گر و سایر دستگاه‌های مرتبط ضروری است.

او پیشنهاد کرد «نقشه راه سلامت شهری اصفهان، با مشارکت این مجموعه‌ها تدوین شود» و وضعیت سلامت شهروندان بر اساس شاخص‌های مشخص و داده‌های واقعی پایش و برای ارتقای آن برنامه ریزی شود. این متخصص مغز و اعصاب و هیئت علمی دانشگاه‌ها و مطالبه‌های شهروندان، کرد: جامعه پزشکی نیز نباید تنها در زمان بیماری وارد فرایند سلامت شود؛ می‌تواند در آموزش عمومی، پیشگیری، ارتقای سواد سلامت و سیاست‌گذاری نقش مؤثرتری داشته باشد. صفاری گفت: نشان واقعی یک شهر فقط بناهای تاریخی و جاذبه‌های گردشگری آن نیست؛ کیفیت زندگی و سلامت مردم نیز بخشی از هویت شهر است. اصفهان با تکیه بر همین اساس، تجهیز ترافیکی این پروژه را باید بخشی از زیرساخت‌های بهره‌برداری موفق آن دانست. او تأکید کرد: برنامه اجرای طرح‌های نظارت هوشمند این پروژه بر کیفیت و الگوی نظری‌های ترددی آن اضافه کرده است.



سعید ساکت
معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان

زنجیره بی‌وقفه نظارت و اجرا پشت ابرپروژه ترافیکی اصفهان

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان گفت: پشت بهره‌برداری از ابرپروژه ترافیکی شهید آیت‌الله رئیسی زنجیره‌ای مستمر از نظارت، طراحی و اجرا شکل گرفته است؛ از نصب صداها تا بلوبی راهنمای مسیر و المان ترافیکی تا اجرای خطکشی و تجهیزات هوشمند که برای ارتقای ایمنی و نظارت بر الگوی تردد شهروندان است. سعید ساکت با اشاره به اقدام‌های انجام‌شده برای تجهیز ترافیکی پروژه بزرگ مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی اظهار کرد: بهره‌برداری ایمن و اثربخش از پروژه‌های بزرگ عمرانی، تنها به اجرای سازه‌های اصلی محدود نمی‌شود؛ بلکه بخش مهمی از کارایی واقعی این پروژه‌ها به طراحی، استقرار و تکمیل تجهیزات ترافیکی، علائم، خطکشی‌ها و سامانه‌های هدایت مسیر وابسته است. او افزود: در پروژه بزرگ مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی، هفت سازه راهنمای مسیر، ۲۶ تابلوی راهنمای مسیر بالاسری و ۱۷ تابلوی راهنمای مسیر جانبی نصب شده است که مجموع هزینه اجرای این بخش از پروژه به بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال می‌رسد.

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار اصفهان با اشاره به سایر اقدام‌های اجرایی این پروژه تصریح کرد: در این مجموعه، ۲۴ هزار متر خطکشی طولی، یک هزار و ۲۰۰ مترمربع خطکشی عابرپیاده و نقوش ترافیکی و یک هزار و ۴۰۰ تابلو و المان ترافیکی اجرا و نصب شده است؛ اقدام‌هایی که کنار هم، خوانایی مسیر، ایمنی تردد و نظم حرکتی در یکی از مهم‌ترین گره‌های ارتباطی شهر را ارتقا می‌دهد.

ساکت ادامه داد: از ابتدای طراحی تا مرحله تصحیح کرد: در این مجموعه، ۲۴ هزار متر خطکشی طولی، یک هزار و ۲۰۰ مترمربع خطکشی عابرپیاده و نقوش ترافیکی و یک هزار و ۴۰۰ تابلو و المان ترافیکی اجرا و نصب شده است؛ اقدام‌هایی که کنار هم، خوانایی مسیر، ایمنی تردد و نظم حرکتی در یکی از مهم‌ترین گره‌های ارتباطی شهر را ارتقا می‌دهد.

ساکت ادامه داد: از ابتدای طراحی تا مرحله تصحیح کرد: در این مجموعه، ۲۴ هزار متر خطکشی طولی، یک هزار و ۲۰۰ مترمربع خطکشی عابرپیاده و نقوش ترافیکی و یک هزار و ۴۰۰ تابلو و المان ترافیکی اجرا و نصب شده است؛ اقدام‌هایی که کنار هم، خوانایی مسیر، ایمنی تردد و نظم حرکتی در یکی از مهم‌ترین گره‌های ارتباطی شهر را ارتقا می‌دهد.

ساکت افزود: بخش اجرا و ساخت تجهیزات نیز حجم چشمگیری از توان تخصصی و عملیاتی را به خود اختصاص داد؛ به‌طوری‌که ساخت تجهیزات سازه‌های راهنمای مسیر سه‌هزار نفرساعت، ساخت تابلوهای راهنمای پروژه در کارگاه یک هزار و ۵۰۰ نفرساعت، اجرای خطکشی پروژه ده‌هزار و ۳۰۰ نفرساعت، اجرا و نصب فونداسیون و نصب تابلوهای ترافیکی چهارهزار و ۲۰۰ نفرساعت و اجرای فونداسیون‌ها و نصب سازه‌های تجهیزات ITS نیز پنج‌هزار نفرساعت زمان برده است.

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان با تأکید بر اینکه این اعداد نشان می‌دهد پروژه‌های بزرگ شهری بدون پشتیبانی دقیق ترافیکی به بهره‌وری کامل نمی‌رسند، اظهار کرد: آنچه شهروندان در زمان افتتاح و بهره‌برداری مشاهده می‌کنند، نتیجه زنجیره‌ای از طراحی، نظارت، تصمیم‌سازی، اجرا و کنترل میدانی بوده که به صورت چندلایه و پیوسته دنبال شده است.

او ادامه داد: در مقطعی که به دلیل شرایط جنگی، برخی شهرک‌های صنعتی محل ساخت تجهیزات راهنمای مسیر و تابلوهای پروژه مورد اصابت قرار می‌گرفت، روند ساخت و آماده‌سازی متوقف نشد و مجموعه اجرایی با حفظ پیوستگی کار، اجازه نداد تجهیزات ترافیکی این پروژه دچار وقفه شود. ساکت گفت: پروژه شهید آیت‌الله رئیسی از منظر سازه‌ای یک طرح مهم شهری است؛ اما از نگاه مدیریت ترافیک، ارزش آن زمانی تکمیل می‌شود که شهروندان بتوانند با علائم روشن، مسیرهای خوانا، هدایت مناسب، خطکشی استاندارد و سامانه‌های هوشمند، ترددی ایمن، روان و قابل پیش‌بینی را تجربه کنند؛ بر همین اساس، تجهیز ترافیکی این پروژه را باید بخشی از زیرساخت‌های بهره‌برداری موفق آن دانست. او تأکید کرد: برنامه اجرای طرح‌های نظارت هوشمند این پروژه بر کیفیت و الگوی نظری‌های ترددی آن اضافه کرده است.



حسین کارگر
مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان

اجرای طرح استقبال از مهر در منطقه ۵ اصفهان

مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان از اجرای طرح جامع استقبال از مهر در آستانه سال تحصیلی جدید خبر داد و گفت: مجموعه‌ای از اقدام‌های ترافیکی، ایمنی، عمرانی و محیطی با هدف رفع نواقص اطراف مدارس، آسان‌شدن تردد و ایجاد محیطی ایمن و باشناط برای دانش‌آموزان در سطح منطقه اجرا می‌شود.

حسین کارگر با اشاره به نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی اظهار کرد: هم‌زمان با بازگشایی مدارس، طرح جامع استقبال از مهر در منطقه ۵ با تمرکز بر ارتقای ایمنی معابر پیرامون مراکز آموزشی، رفع نواقص ترافیکی، بهبود وضعیت محیطی و ایجاد فضای مناسب برای تردد دانش‌آموزان و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهردار اصفهان تصریح کرد: با توجه به تورم حدود ۹۰ درصدی در ۱۴۰۵، سهم بودجه جاری در بودجه ۱۴۰۵ نسبت در محدوده ۲۰ درصد حفظ شده است. ابراهیمی ادامه داد: بودجه جاری مصوب ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل تنها ۴۵ درصد رشد داشته که کمتر از میزان واقعی تورم بوده و نشان‌دهنده عزم بالای مدیریت شهری در کنترل هزینه‌های جاری است. او خاطرنشان کرد: بودجه ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان با این ترکیب تلاش دارد ضمن تأمین هزینه‌های جاری و نگهداشت شهر، سهم چشمگیری از منابع را به اعتبارات عمرانی و توسعه زیرساخت‌ها اختصاص دهد.

کارگر تصریح کرد: بازسازی ایستگاه‌های اتوبوس و نصب ایستگاه جدید در محدوده مدارس خیابان رودکی و نظر شرقی، شست‌وشوی سرنعکاه‌ها در محدوده مدارس و نصب تابلوهای ویژه عبور دانش‌آموزان و عابران پیاده از دیگر اقدام‌هایی است که در قالب طرح استقبال از مهر دنبال می‌شود. او خاطرنشان کرد: نصب موانع فلزی برای ایمن‌سازی مسیر عبور دانش‌آموزان و ایجاد پارکینگ موتورسیکلت و دوچرخه در نقاط مورد نیاز، از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی‌شده است که با هدف سامان‌دهی تردد و افزایش ایمنی در اطراف مراکز آموزشی اجرا خواهد شد.

اصلاح هندسی و آرام‌سازی ترافیک در محدوده مدارس

مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان با اشاره به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای مدیریت جریان ترافیک در بعضی معابر منطقه گفت: کانالیزه کردن تقاطع بعثت و بهمن سپاهان شهر، و خیابان چهاردهم کوی امام جعفرصادق (ع)، کاهش سرعت در خیابان دانشگاه اصفهان و کاهش عرض راست‌گرد خیابان حکیم نظامی در محدوده دبیرستان صفورا از اقدام‌های ترافیکی طرح استقبال از مهر است. کارگر افزود: با توجه به تعدد مدارس در خیابان بهداری لشکر، محدودسازی تردد خودروهای سنگین در این معبر نیز در برنامه قرار گرفته است تا از ایجاد تداخل میان تردد خودروهای سنگین و رفت‌وآمد دانش‌آموزان در ساعات تردد جلوگیری شود. او با تأکید بر اهمیت ایمنی ترافیکی اطراف مدارس اظهار کرد: در این بخش، ایمن‌سازی گذرگاه‌های عابرپیاده، خطکشی مسیرهای عبور، رنگ‌آمیزی و آشکارسازی علائم و هشدارهای ترافیکی و نصب تابلوهای هشداردهنده در دستورکار قرار گرفته است.

کاهش سرعت و افزایش ایمنی تردد دانش‌آموزان

مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان ادامه داد: آرام‌سازی جریان ترافیک در محدوده مدارس نیز از دیگر اقدام‌های پیش‌بینی‌شده است تا در ساعات آغاز و پایان فعالیت مدارس، تردد دانش‌آموزان، والدین و سایر شهروندان با ایمنی و آرامش بیشتری انجام شود. کارگر تأکید کرد: اجرای طرح استقبال از مهر تنها به اقدام‌های عمرانی و ترافیکی محدود نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از اقدام‌ها برای آماد مساز محیط شهری و ایجاد شرایط مناسب در محله‌ها و اطراف مدارس دنبال می‌شود تا دانش‌آموزان سال تحصیلی جدید را در فضایی ایمن، آرام و باشناط آغاز کنند. او خاطرنشان کرد: ایجاد فضایی آرام و ایمن برای تردد دانش‌آموزان، علاوه بر کاهش احتمال بروز حوادث، نقش مؤثری در ارتقای کیفیت زندگی شهری و تقویت فرهنگ ترافیکی نسل آینده دارد و مدیریت منطقه ۵ تلاش می‌کند با اجرای به‌موقع برنامه‌های پیش‌بینی‌شده، شرایط مطلوب‌تری را برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها فراهم کند.



سعید ابراهیمی
معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهردار اصفهان

مهار هزینه‌های جاری در بودجه ۱۴۰۵ اصفهان

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهردار اصفهان گفت: بودجه جاری مصوب سال ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان نسبت به سال قبل ۴۵ درصد رشد داشته است؛ این در حالی است که تورم حدود ۹۰ درصدی، مدیریت شهری را به سمت کنترل و صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری سوق داده است. سعید ابراهیمی اظهار کرد: بودجه ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان شامل مناطق، مرکزی و ناژوان بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان بوده که سهم اعتبارات جاری ۳۱ درصد و سهم اعتبارات عمرانی ۶۹ درصد است. او افزود: با توجه به افزایش هزینه‌های جاری طی سال‌های گذشته، تلاش شده است در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود. معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهردار اصفهان تصریح کرد: با توجه به تورم حدود ۹۰ درصدی در ۱۴۰۵، سهم بودجه جاری در بودجه ۱۴۰۵ همچنان در محدوده ۲۰ درصد حفظ شده است. ابراهیمی ادامه داد: بودجه جاری مصوب ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل تنها ۴۵ درصد رشد داشته که کمتر از میزان واقعی تورم بوده و نشان‌دهنده عزم بالای مدیریت شهری در کنترل هزینه‌های جاری است. او خاطرنشان کرد: بودجه ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان با این ترکیب تلاش دارد ضمن تأمین هزینه‌های جاری و نگهداشت شهر، سهم چشمگیری از منابع را به اعتبارات عمرانی و توسعه زیرساخت‌ها اختصاص دهد.



مهدی غلامی
مدیر منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان

منطقه ۱۱ اصفهان در جمع سه منطقه برتر توسعه خدمات الکترونیکی

مدیر منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان گفت: این منطقه در ارزیابی معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان، با توجه به توسعه خدمات الکترونیکی، نحوه غیرحضوری، کاهش فرایندهای فیزیکی و مراجعه‌های حضوری، در جمع سه منطقه برتر شهر اصفهان قرار گرفت. مهدی غلامی اظهار کرد: در این ارزیابی، میزان تحقو و توسعه خدمات الکترونیکی، نحوه تشکیل و گردش پرونده‌های الکترونیکی، کاهش فرایندهای فیزیکی و کاغذی، میزان استفاده از خدمات غیرحضوری و حذف مراجعه‌های حضوری و همچنین سایر اقدام‌های مناطق در مسیر هوشمندسازی و بهینه‌سازی ارائه خدمات موردبررسی قرارگرفت. مدیر منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان تصریح کرد: بر اساس نتایج این ارزیابی، منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان در جمع سه منطقه برتر شهر اصفهان قرار گرفت؛ موفقیتی که حاصل تلاش و همراهی مجموعه کارکنان منطقه در مسیر توسعه خدمات نوین و تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات شهرداری است.

غلامی با قدردانی از تلاش کارکنان منطقه در این زمینه اظهار کرد: حرکت به سمت ارائه خدمات الکترونیکی و غیرحضوری، تنها به معنای استفاده از فناوری‌های جدید نیست؛ بلکه گامی مؤثر در کاهش مراجعه‌های شهروندان، تسریع فرایندهای اداری، کاهش مصرف کاغذ و هزینه‌های سازمانی و درنهایت، حفظ محیط زیست است. او افزود: توسعه خدمات غیرحضوری و کاهش گردش اسناد و پرونده‌های فیزیکی، یکی از مسیرهای مهم در تحقق شهرداری هوشمند و شهروندمدار است و منطقه ۱۱ تلاش می‌کند با استفاده از ظرفیت‌های موجود، این فرایند را بیش از پیش توسعه دهد. مدیر منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان ضمن تقدیر از کارکنان و کارشناسان منطقه خاطرنشان کرد: کسب این جایگاه، حاصل اقدامی فردی یا مقطعی نیست؛ بلکه نتیجه همکاری و همراهی تمامی کارکنانی است که در بخش‌های مختلف، اجرای فرایندهای الکترونیکی و کاهش استفاده از کاغذ و خدمات حضوری را دنبال کرده‌اند. غلامی تأکید کرد: هر فرایندی که بدون نیاز به حضور شهروند، بدون استفاده از کاغذ و با سرعت و دقت بیشتر انجام شود، یک گام به سوی مدیریت شهری کارآمدتر و شهری پایدارتر است.



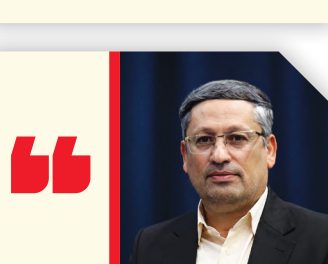
دکتر علی قاسم زاده
شهردار اصفهان

پروژه شهید آیت‌الله رئیسی نماد عدالت‌محوری در اصفهان است

شهردار اصفهان با اشاره به بهره‌برداری از پروژه تقاطع غیرهمسطح شهید آیت‌الله رئیسی گفت: این پروژه نمونه‌ای شاخص از عدالت‌محوری و عدالت مکانی در شهر است که با رفع گلوگاه ترافیکی و ارتقای ایمنی و امنیت، کیفیت زندگی ساکنان مناطق کم‌برخوردار را بهبود می‌دهد. علی قاسم‌زاده اظهار کرد: پروژه تقاطع غیرهمسطح شهید آیت‌الله رئیسی نمونه‌ای بارز از پروژه‌های عدالت‌محور و عدالت‌محک است که نه تنها اقدامی عمرانی، بلکه طرحی چندبعدی در حوزه‌های ترافیکی، اجتماعی، امنیتی و ارتقای ایمنی شهری به‌شمار می‌رود. او افزود: این محدوده در گذشته به دلیل نابرابرانی محورهای تردد، سالانه حدود ۲۰ قربانی ناشی از تصادفات داشت و به‌عنوان یک فضای بی‌فایده شهری، پس از تاریکی هوا احساس امنیت شهروندان را به شدت کاهش می‌داد؛ اما با اجرای این پروژه، گلوگاه ترافیکی و تهدیدهای اجتماعی منطقه رفع شد و به‌عنوان محرک توسعه، آینده و کیفیت زندگی ساکنان این محله را متحول خواهد کرد. شهردار اصفهان تصریح کرد: با وجود شرایط ویژه و بحرانی در دوره اجرا، این پروژه تعطیل نشد. هرچند با کندی مقطعی روبه‌رو شد، درنهایت با ثبت یک رکورد زمانی در حوزه عمران شهری به بهره‌برداری رسید. قاسم‌زاده تأکید کرد: این موضوع پیام روشنی دارد: هر چایی مردم در میان باشد، به ویژه ساکنان مناطق کم‌برخوردار، مدیریت شهری در هر شرایطی پای کار ایستاده است. از ابتدای فعالیت در شهرداری متعهد شدیم بر این منطقه تمرکز و سرمایه‌گذاری کنیم. علاوه بر این تقاطع، به زودی شاهد افتتاح پروژه‌های جدید دیگری نیز در همین محدوده خواهیم بود.

میدان «شهید فخری زاده» در آستانه افتتاح

شهردار اصفهان گفت: خبرهای خوب عمرانی برای شهروندان ادامه دارد و طی چند هفته آینده، یکی از بزرگ‌ترین، زیباترین و وقتی‌ترین میدان‌های شهر که مجموعه‌ای ترکیبی از تقاطع‌های غیرهمسطح و پل هاست، با نام شهید فخری زاده، به مردم شریف اصفهان تقدیم خواهد شد.



رضا احمدی اصل
مدیر روابط عمومی شهردارنشایگاهی اصفهان

پانزدهمین نمایشگاه صنعت برق و انرژی‌های تجدیدپذیر اصفهان آغاز شد

مدیر روابط عمومی شهر نمایشگاهی اصفهان از برگزاری پانزدهمین نمایشگاه تخصصی صنعت برق و انرژی‌های تجدیدپذیر از دهم تا سیزدهم شهریور خبر داد و گفت: بیش از ۱۰۰ شرکت تولیدی، توزیعی و خدماتی از اصفهان و دیگر استان‌های کشور در این رویداد تخصصی حضور خواهند داشت. رضا احمدی اصل اظهار کرد: در این دوره بیش از ۱۰۰ شرکت در نمایشگاه حضور دارند و علاقه‌مندان، متخصصان و فعالان صنعت می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۲ با حضور در شهر نمایشگاهی اصفهان از بخش‌های مختلف این رویداد بازدید کنند. مدیر روابط عمومی شهر نمایشگاهی اصفهان تصریح کرد: حضور شرکت‌های تولیدکننده و صاحب‌نام صنعت برق در کنار مجموعه‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، نیروگاه‌های خورشیدی، تجهیزات صنعتی و فناوری‌های نوین، از مهم‌ترین ویژگی‌های پانزدهمین دوره این نمایشگاه است. احمدی اصل ادامه داد: ترکیب مشارکت‌کنندگان نیز نشان‌دهنده رویکرد تخصصی این رویداد است؛ به‌طوری‌که ۵۶ درصد شرکت‌کنندگان را واحدهای تولیدی و ۳۵ درصد مجموعه‌های توزیعی و خدماتی تشکیل می‌دهند؛ همچنین ۴۱ درصد مشارکت‌کنندگان از استان اصفهان و ۵۹ درصد از سایر استان‌های کشور در نمایشگاه حضور دارند. مدیر روابط عمومی شهر نمایشگاهی اصفهان گفت: برق صنعتی و تجهیزات صنعت برق، برق ساختمانی، نورپردازی و سیستم‌های روشنایی، تجهیزات انرژی‌های تجدیدپذیر، نیروگاه‌های خورشیدی همچنین خدمات بارگازانی، مشاوره و آموزش از جمله حوزه‌هایی است که در این دوره به نمایش گذاشته شده. او خاطرنشان کرد: در کنار نمایش توانمندی‌های شرکت‌ها، مجموعه‌ای از برنامه‌های تخصصی نیز برای این دوره پیش‌بینی شده است؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به حضور و اعلام حمایت سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، برگزاری میز تخصصی انرژی استان و پیل تخصصی مدیریت انرژی صنایع اشاره کرد.



زهره سادات کاظمی

دبیر صفحه شهر زندگی

طبق آمارها، ۱۴هزار هکتار بافت فرسوده در استان اصفهان برآورد شده که سهم شهر اصفهان، بیش از دو هزار هکتار تخمین زده شده است. البته با توجه به اینکه طرح‌های بازآفرینی شهری در شهرها، با کندی مضاعفی پیش می‌رود و در اغلب اوقات با شکست مواجه می‌شود، سرعت کاهش این بافت‌ها پایین است. براساس آمارهای شهری ارائه شده، در ۹۹ محله شهر اصفهان، پهنه بافت فرسوده وجود دارد که معادل ۱۲ درصد از مساحت کل شهر است. برای کاهش این سهم از بافت فرسوده، تا کنون طرح‌های مختلفی به اجرا درآمده است؛ اما به دلیل مشکلات فراوان پیش روی طرح‌ها، فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم و پای کار نیامدن دستگاه‌های مختلف، این طرح‌ها سربه سامان نبرده‌اند. در کنار طرح‌های مختلف اجرا شده؛ اما در سال‌های اخیر طرح بازآفرینی محله همت‌آباد که براساس مشارکت مردم و با تشکیل تعاونی پیش رفته، به سرانجام رسیده است؛ البته این طرح هم به دلیل مشکلات متعدد با تاخیرهای زیادی مواجه شده؛ اما در نهایت با مشارکت خود مردم اجرا و به مرحله نهایی رسیده است؛ طرحی که می‌تواند الگوی موفق‌ی برای کل شهر و البته کشور باشد؛ به شرط آن‌که کارآمدن تمام دستگاه‌ها و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای توسعه اجرای این طرح‌ها در بافت‌های فرسوده. در این گزارش، روزنامه «اصفهان زیبا» به منظور آشناشدن با روند اجرای طرح بازآفرینی محله همت‌آباد، دانستان شکل گیری تعاونی ساخت مسکن مشارکتی و مشکلات پیش روی اجرای طرح را از زبان مصطفی خضری، مدیر دفتر بازآفرینی همت‌آباد روایت می‌کند. ■

■ پروژه‌ای که توانست

اولین الگوی مشارکتی و موفق برای بازآفرینی شهری باشد

خضری قصه شکل گیری طرح در محله را این طور شروع می‌کند: «همت‌آباد را نمی‌توان فقط یک پروژه عمرانی دانست؛ اینجا دستان، پیچیده‌تر از ساخت چند ساختمان و خیابان است. پروژه‌ای که توانست اولین الگوی مشارکتی و موفق برای بازآفرینی شهری باشد، مسیری طولانی و پرپیچ وخم را پشت سر گذاشته است، مسیری که در آن، مسائل عمرانی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اجرایی، مدیریتی و حتی بانکی، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. ماجرا از جایی آغاز شد که قرار بود بافت فرسوده همت‌آباد، با مشارکت مردم در قالب طرح بازآفرینی شهری، نوسازی شود؛ اما پیشرفت پروژه آن گونه که در ابتدا تصور می‌شد، آسان نبود. ساختار کالبدی و فرهنگی اصفهان با تهران تفاوت داشت و اجرای پروژه‌هایی از این جنس در شهری مانند اصفهان، به ویژه در محله‌ای مانند همت‌آباد، کار ساده‌ای نبود. اینجا باید چند خانه را با یکدیگر جمع می‌کردیم؛ زمین مشترک ایجاد می‌شد و مالکانی را که هر کدام شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی داشتند، برای یک تصمیم مشترک کنار هم آورد؛ مسئله فقط جمعیت چند پلاک نبود. بسیاری از مردم توان اقتصادی محدودی داشتند و تأمین وام نیز کاری دشوار و پیچیده بود و بعضاً در زمان مناسب پرداخت نمی‌شد. همین مسائل باعث شد پروژه با چالش‌های مختلفی مواجه شود؛ با این حال، آنچه پروژه همت‌آباد را متفاوت می‌کند، مشارکت واقعی مردم در تمام مراحل پروژه است.»

او در ادامه با تأکید بر این نکته که بازآفرینی شهری، در مقایسه با پروژه‌های معمول عمرانی، پیچیدگی بسیار بیشتری دارد، ادامه می‌دهد: «در یک پروژه عمرانی ممکن است شهرداری زمین را متلک کند؛ خیابان بسازد یا ساختمانی احداث کند؛ اما در بازآفرینی شهری، مردم و زندگی آن‌ها موضوع اصلی هستند. وقتی قرار

است خانه‌ای تخریب شود و چند پلاک با یکدیگر جمع شوند، دیگر فقط با یک ساختمان مواجه نیستیم؛ با زندگی، خاطره‌ها، سرمایه و آینده یک خانواده مواجه ایم. در پروژه‌های گذشته، گاهی ساختمان، مهم‌تر از انسان دیده می‌شد. رویکرد این بود که بافت قدیمی و فرسوده را تخریب کنند و ساختمان جدید بسازند؛ بدون اینکه به این پرسش توجه کافی شود که برای ساکنان آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نمونه‌هایی از این رویکرد در شهرهای بزرگ نیز وجود دارد؛ مانند پروژه نواب تهران. این پروژه با وجود ساخت وساز گسترده، به دلیل ازبین رفتن کنترل و سرمایه اجتماعی، بعدها با آسیب‌های اجتماعی مواجه شد.»

■ اگر قرار است خانه‌ای تخریب شود باید سرنوشت ساکنان آن نیز در نظر گرفته شود

توجه به مردم و زندگی آن‌ها، نکته‌ای است که این روزها نقل محافل کارشناسان بازآفرینی شهری بوده و در کلام خضری بسیار تکرار می‌شود. او با اشاره به این نکته که تلاش شد، در همت‌آباد این نگاه تغییر کند، اضافه می‌کند: «اگر قرار است خانه‌ای تخریب شود، باید سرنوشت ساکنان آن نیز در نظر گرفته شود. خانواده‌ای که خانه ۶۰ یا ۷۰ متری خود را از دست می‌دهد، ممکن است پس از جابه جایی با مشکلاتی مانند بی‌خانمان شدن، بیماری اعضای خانواده، ناتوانی در پرداخت اجاره و استرس‌های ناشی از جابه جایی مواجه شود. در همین همت‌آباد مواردی داشتیم مثل اجرای پروژه اتوبان. خانه‌های مردم خریداری شد. برخی از زمین‌های بایر داخل محله، ثمره اجرای این طرح است؛ مردم آواره شدند و آسیب دیدند؛ بنابراین، ساخت وساز در اینجا فقط به معنای تخریب و احداث ساختمان جدید نیست؛ از سوی دیگر، پروژه از نظر اقتصادی نیز ساده نبود. سازنده زمانی وارد پروژه می‌شود که بتواند برای سرمایه خود توجیه اقتصادی داشته باشد. در همت‌آباد، زمین کوچک و پراکنده بود و سازنده می‌توانست در نقاط دیگر شهر زمین‌هایی را خریداری کند و پروژه اقتصادی‌تری را انجام دهد؛ بنابراین، باید مدلی طراحی می‌شد که هم منافع مردم حفظ شود و هم سازنده برای ورود به پروژه انگیزه داشته باشد.»

■ تشکیل تعاونی اولین تجربه در کشور بود

دیده شدن مردم در اجرای طرح، منجر به تشکیل تعاونی با حضور مردم شد. بنا به گفته خضری، در این مسیر، تعاونی نقش مهمی پیدا کرد. تعاونی از سوی خود مردم شکل گرفت و قرار بود مالکانی را که سال‌ها درگیر این مسئله بودند، در کنار یکدیگر قرار دهد و این اولین تجربه در کشور بود.

مدیر دفتر بازآفرینی همت‌آباد توضیح می‌دهد: «این تعاونی به مردم کمک می‌کرد با یکدیگر به توافق برسند؛ برای دریافت پروانه اقدام کنند؛ مسائل مربوط به شهرداری، مسکن و شهرداری، آب و برق و سایر دستگاه‌ها را پیگیری و در نهایت سازنده‌ای را برای اجرای پروژه انتخاب کنند. همت‌آباد از این جهت تجربه‌ای متفاوت بود؛ چراکه مالکان خودشان در تعاونی عضو شدند و هیئت مدیره را با رأی خود انتخاب کردند؛ مدیرعامل نیز انتخاب شد و یک نهاد حقوقی شکل گرفت تا بتواند به صورت رسمی مسائل پروژه را دنبال کند. این تجربه، از نخستین نمونه‌های تشکیل تعاونی نوسازی در مقیاس کلان شهرها به شمار می‌رفت.»

او با اشاره به اینکه پروژه همت‌آباد با مشارکت مردم صورت گرفته و سود پروژه هم به مردم رسیده است، اضافه می‌کند: «در مرحله بعد، مسئله مهم، انتخاب محدوده پروژه بود. برای این کار نیز تلاش شد نظر مردم دریافت شود. نظرسنجی‌هایی انجام شد تا مشخص شود کدام بخش از محله آمادگی بیشتری برای مشارکت دارد. نتیجه نشان داد در برخی محدوده‌ها، میزان آمادگی مردم برای مشارکت بسیار بالاست؛ بنابراین، محدوده پروژه نیز بر اساس میزان آمادگی و نظر ساکنان انتخاب شد.»

خضری به جزئیات بیشتری از روند کار در همت‌آباد می‌پردازد و می‌گوید: بعد از انتخاب محدوده، بحث طراحی و نحوه ساخت مطرح شد. دیدگاه‌های مختلفی وجود داشت. عده‌ای معتقد بودند خانه‌ها در قطعات ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری جمعیت شوند و برخی نیز پیشنهاد ساخت برج‌های بزرگ را مطرح می‌کردند؛ اما در نهایت بررسی‌ها نشان داد ساخت برج‌های بلند در این مقیاس، با توجه به شرایط زمین، معایر، توان اقتصادی مردم و هزینه‌های ساخت و نگهداری، چندان مناسب نیست. در نهایت، طرح به سمت ایجاد بلوک‌های حدود ۷۰ تا ۷۵ متری رفت. این انتخاب یک تصمیم از بالا به پایین نبود؛ مردم

الگوی همت‌آباد را تکرار کنید!

اجرای طرح بازآفرینی شهری با مشارکت مردم در محله همت‌آباد، به الگوی موفق کشوری در کاهش بافت‌های فرسوده بدل شده است



عکس از کوثر رحیمی

اجرایی همچنان ادامه داشت. مسائل مربوط به تأمین انشعابات آب، برق، شهرداری، بانک و تسهیلات بانکی، از جمله چالش‌هایی بود که پروژه با آن‌ها مواجه شد. در مواردی، بانک‌ها وام مورد نیاز را در زمان مناسب پرداخت نمی‌کردند و همین مسئله روند اجرای پروژه را کند می‌کرد. با وجود این مشکلات، اکنون پروژه در فاز اول به اتمام رسیده و بیش از پنج سال است مردم مشارکت‌کننده در فاز اول واحدهای نوساز و باکیفیت خود را تحویل گرفته‌اند و در آن ساکن شده‌اند. فاز دوم طرح نیز در شش بلوک جمعیتی در حال برنامه‌ریزی و در شرف آغاز عملیات اجرایی است.»

یکی دیگر از مشکلاتی، که خضری در روند اجرای طرح با آن دست‌وپنجه نرم کرده، زیرساخت‌های اجرایی و اداری بوده است. ضوابط و مقررات مربوط به انشعابات آب، برق و گاز در بافت فرسوده، تفاوت چندانی با مناطق برخوردار شهر نداشت؛ درحالی‌که ارزش اقتصادی و شرایط این مناطق کاملاً متفاوت است؛ در نتیجه، پروژه در مواردی با موانعی مواجه می‌شد که ارتباط مستقیمی با ساخت وساز نداشت؛ اما می‌توانست ماه‌ها روند کار را متوقف کند؛ برای نمونه، موضوع انشعاب آب، برق و احداث پست برق، هر کدام نیازمند پیگیری‌های طولانی بود. در مواردی، برای تأمین فضای مورد نیاز تأسیسات، باید بخشی از زمین پروژه برای این کار در نظر گرفته می‌شد و این مسئله نیز به دلیل محدودیت زمین، مشکلات خاص خود را داشت.

به گفته او، بخش بزرگی از این مشکلات در نهایت با پیگیری‌های مستمر برطرف شد؛ اما هر کدام زمان زیادی گرفت؛ حتی در برخی موارد، مدیران وزارت راه و شهرسازی در دوره‌های مختلف از پروژه بازدید کردند و برای حل مشکلات آن کمک‌هایی انجام شد.

■ وام ودیعه مسکن؛ چالشی بزرگ در سرعت‌گرفتن پروژه

کمک‌رساندن بانک‌ها در اجرای طرح‌های بازآفرینی، بسیار مهم است. یکی دیگر از چالش‌های جدی در پروژه همت‌آباد، تسهیلات بانکی و نحوه پرداخت آن بود. برای مردمی که خانه‌هایشان تخریب شده و در محل دیگری به عنوان مستأجر زندگی می‌کنند، طولانی شدن روند ساخت می‌تواند فشار اقتصادی زیادی ایجاد کند؛ بنابراین، موضوع ودیعه، اقساط و تسهیلات بانکی اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

مدیر دفتر بازآفرینی همت‌آباد ادامه می‌دهد: «در این زمینه نیز تعاونی



تلاش کرد شرایط را برای مردم آسان‌تر کند. حتی در مواردی که بانک برای دریافت وام به ضامن‌های متعدد نیاز داشت، تلاش شد بخشی از این مشکلات از طریق تعاونی حل شود تا مردم بتوانند تسهیلات مورد نیاز خود را دریافت کنند. با همه این دشواری‌ها، تجربه موفق همت‌آباد نشان می‌دهد که بازآفرینی شهری، بدون مشارکت واقعی مردم امکان‌پذیر نیست. در این پروژه، مردم تنها دریافت‌کننده یک واحد مسکونی جدید نبودند؛ بلکه از ابتدا در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشتند؛ درباره طرح نظر دادند؛ نمونه‌ها را دیدند؛ طرح را تأیید و در نهایت در اجرای آن مشارکت کردند.»

■ انتخاب پروژه چشمگیر همت‌آباد از طرف ستاد ملی بازآفرینی شهری ایران کار در محله‌های شهری و جمع‌کردن مردم برای اجرای طرح مشارکتی، کاری بسیار پیچیده و وقت‌گیر است و همین مشارکت، سختی‌های خاص خود را نیز دارد. وقتی تعداد زیادی مالک در یک پروژه حضور دارند، هر کدام انتظا‌رها و برداشت‌های متفاوتی دارند؛ اطلاعات نیز به سرعت در محله منتقل می‌شود و گاهی یک جمله یا یک تصمیم می‌تواند باعث شکل‌گیری برداشت‌های متفاوت شود؛ بنابراین، مدیریت چنین پروژه‌ای نیازمند ارتباط مستمر، شفافیت و صبوری است. این تنها گوشه‌ای از مشکلاتی است که از زبان خضری در خصوص اجرای طرح مشارکت بیان می‌شود؛ اما او تأکید می‌کند که پروژه همت‌آباد در عین حال تجربه‌ای است که نشان می‌دهد اگر مردم احساس کنند در تصمیم‌گیری‌ها سهم دارند، می‌توانند در یک پروژه بزرگ شهری مشارکت کنند. شاید به همین دلیل است که این پروژه از سوی ستاد ملی بازآفرینی شهری ایران، به عنوان تجربه‌ای چشمگیر در بازآفرینی شهری مطرح شده است.

■ همه باید پای کار بیایند

با این حال، پرسش اصلی همچنان باقی است: چرا تجربه‌ای مانند همت‌آباد به صورت گسترده در سایر محله‌های شهر تکرار نشده است؟ خضری در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «پاسخ را باید به همین پای کار بیایند. ما در همین جست‌وجو کرد. برای اجرای چنین طرحی، فقط حضور شهرداری کافی نیست. وزارت راه و شهرسازی، بانک‌ها، دستگاه‌های خدمات رسان، نهادهای محلی، سازندگان، کارشناسان و از همه مهم‌تر مردم، باید هم زمان پای کار باشند. اگر یکی از این حلقه‌ها از روند کار خارج شود، پروژه با مشکل مواجه می‌شود. این پروژه را می‌شود در همه محله‌ها اجرا کرد؛ البته با مشارکت جدی مردم؛ اما باید همه پای کار بیایند. ما در همین پروژه همت‌آباد همچنان منتظر پرداخت ودیعه مسکن مردم هستیم؛ به همین دلیل، بازآفرینی شهری نیازمند یک اراده جدی و همه‌جانبه است. سیستم اداری باید برای چنین پروژه‌هایی زمان کافی بگذارد و دستگاه‌های مختلف باید هماهنگ عمل کنند. تجربه همت‌آباد نشان داده است که حتی اگر طرح از نظر اجتماعی و اقتصادی جذاب باشد، نبود زیرساخت‌های اداری، اجرایی و قانونی می‌تواند زمان اجرای آن را طولانی کند.»

■ مردم در این پروژه از خانه‌هایشان رانده نشدند

با وجود همه این دشواری‌ها، آنچه در همت‌آباد شکل گرفته، تنها چند بلوک مسکونی نیست؛ بلکه تجربه‌ای از مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، طراحی و اجرای یک پروژه بازآفرینی شهری است. تجربه‌ای که در آن تلاش شده است مردم از خانه و محله خود بیرون رانده نشوند؛ بلکه حفظ حقوق مالکانه و با مشارکت خودشان، در همان محله صاحب خانه‌ای جدید شوند. در فاز اول این پروژه، همه مردمی که مشارکت کردند، صاحب خانه‌های نو و استاندارد شدند و کیفیت زندگی‌شان ارتقا پیدا کرد. متراژ واحدها از ۸۰ تا ۱۲۰ متر است و بسیاری از خانه‌های کوچک به واحدهای مناسب تبدیل شد.

شاید مهم‌ترین دستاورد همت‌آباد همین باشد؛ اینکه نشان داد بازآفرینی شهری، زمانی می‌تواند موفق باشد که انسان و زندگی او در مرکز پروژه قرار گیرد؛ نه صرفاً ساختمان و زمین. اینجا قرار نبود فقط خانه‌ای ساخته شود؛ قرار بود اعتماد مردم، سرمایه اجتماعی و زندگی یک محله نیز در کنار ساختمان‌های جدید حفظ شود.

پروژه همت‌آباد که با مشارکت مردم به معنای واقعی جلو رفت، می‌تواند الگوی مناسبی برای کاهش بافت فرسوده در محله‌های شهر اصفهان باشد؛ البته به‌شکارتی و مشارکت ارگان‌های و دستگاه‌ها مختلف برای سرعت بخشیدن به اجرای طرح، یکی از مهم‌ترین شرایط است و بسیار اهمیت دارد و زودتر می‌تواند محله‌های اصفهان را از وضعیت اسفناک بافت فرسوده رها کند.

۵	جامعه SOCIETY
esfahan ziba online	۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۵ چهارشنبه
۳۵ صفحه ان زیبا	
شماره ۵۴۴۹	
۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۵	
چهارشنبه	
ویراستار و دبیر منفعه / لیلا مقیمی	



دبیر گروه جامعه

استفاده از انرژی خورشیدی، حالا چند سالی است که مورد توجه و احداث و راه‌اندازی نیروگاه‌های مختلف در استان‌های کشور قرار گرفته است. این انرژی برخلاف سایر انرژی‌ها آلودگی به دنبال ندارد و به راحتی نیز قابل استفاده است. گفته می‌شود در اصفهان ۵ هزار و ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی تا انتهای برنامه هفتم وارد مدار خواهد شد. ایراهیم کریمی، دبیر میز انرژی‌های نوین استانداری اصفهان در گفت‌وگو با اصفهان‌زیبا، به بیان جزئیاتی در رابطه با استفاده از انرژی خورشیدی و همچنین ظرفیت‌های موجود در این استان پرداخته است. ■

■ استفاده از انرژی خورشیدی چند سالی است که در کشور مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این موضوع در اصفهان از چه سالی به‌طور جدی بررسی و اجرایی شده است؟

مدیریت فنی استان با ملاحظات خاصی که راجع به انرژی و بحث ناترازی انرژی داشت، «میز انرژی‌های نوین» را به منظور رفع ناترازی در استان راه‌اندازی کرد. تا انتهای دولت سیزدهم در استان اصفهان تقریباً ۶۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی داشتیم؛ اما از آن زمان تا الآن، به ۶۷ مگاوات نیروگاه رسیده‌ایم؛ یعنی در کمتر از دو سال، ۶۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی به ظرفیت استان اضافه شده است. برنامه این است که پنج هزار و ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی تا انتهای برنامه هفتم وارد مدار شود.

■ آیا فکر می‌کنید این اتفاق تا آن زمان رخ می‌دهد؟
حدود یک هزار و ۲۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی در دست احداث داریم. پیش‌بینی این است که تا انتهای سال به بیش از یک هزار مگاوات برسیم و تا دوره یک سال آینده به حدود یک هزار و ۸۰۰ تا یک هزار و ۹۰۰ مگاوات دست باییم. این موضوع شدنی است؛ اما حجم قابل توجهی سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در نظر بگیرید که هزینه تمام شده هر مگاوات بین ۶۵ تا ۸۵ میلیارد تومان است. با این حساب ۶۰۰۰ مگاواتی که به ظرفیت استان اضافه شده و همچنین یک هزار و ۲۰۰ مگاواتی که تا انتهای سال و قبل از دوره یک سال آینده وارد مدار خواهد شد، رقمی چشم‌گیر خواهد بود.

■ آیا جذابیت کافی برای سرمایه‌گذاری و سودآوری لازم ایجاد شده است؟
بله؛ به این دلیل که مکانیزم‌های مختلفی برای فروش انرژی الکتریکی تولیدی پنل‌های خورشیدی داریم. یکی از آن‌ها ماده ۸۶ است که دولت به صورت تضمین شده‌ان را خریداری می‌کند؛ این مورد معمولاً برای سامانه‌های انشعابی است و تا سقف یک مگاوات هم می‌توان از این قانون استفاده کرد. مکانیزم بعدی، ماده ۱۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر است که البته چند سالی است این قرار داده‌ها بسته نشده. حدود یک هزار مگاوات از آن پنج هزار و ۳۰۰ مگاواتی که هدف‌گذاری کرده‌ایم را از طریق ماده ۱۲ تأمین می‌کنیم. مکانیزم دیگر، بحث تهاتر است و صنایع برای خودشان نیروگاه می‌سازند تا بتوانند ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان را پوشش دهند. اما بخش قابل توجهی از آن فروش در تالار سبز بورس انرژی اتفاق می‌افتد و سرمایه‌گذاران به دلیل اینکه پولشان خیلی سریع به دستشان می‌رسد، رغبت زیادی به این کار دارند. بازگشت سرمایه – که البته این عدد را باید با احتیاط به کار برد- حدود چهار سال است. در اصفهان بیش از ۹ هزار هکتار زمین واگذار کرده‌ایم.

■ این زمین‌ها کجا هستند؟
در سراسر استان. حدود ۶ هزار و ۸۰۰ هکتار آن در سال ۱۴۰۰ واگذار شده است. البته همه فریز شده‌اند؛ برخی وارد فاز ساخت شده‌اند. برخی اجازه‌نامه گرفته‌اند و تحویل موقت یا دائم برایشان انجام شده است. عده‌ای هم هنوز اقدامی نکرده‌اند که فرایند خلید و بازرس‌گیری زمین‌های آن‌ها اکنون در دست اقدام است. این زمین‌ها ظرفیتی حدود ۶ هزار مگاوات از زمین‌های منابع ملی است. البته مکانیزم‌های دیگری نیز داریم؛ مثلاً راه و شهرسازی، زمین‌های نزدیک شهر را می‌تواند واگذار کند.

■ آیا هر زمینی قابلیت واگذاری دارد؟

خیر. سه مانع اساسی در توسعه انرژی‌های خورشیدی در استان داریم؛ اول، زمین؛ دوم، زیرساخت انتقال و سوم، تأمین مالی. زمین‌های مستعد که از نظر اتصال به شبکه امکان داشتند، واگذار شدند. بقیه زمین‌ها شرایط بسیار گسترده‌ای دارند و همه امکان واگذاری برای نیروگاه خورشیدی را ندارند، چون شبکه امکان پذیرش آن را ندارد. برآوردی که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده نشان می‌دهد که شبکه کنونی کشور حدود ۲۰ هزار مگاوات پذیرش دارد. اخیراً در نشست که با متقاضیان نیروگاه‌های بزرگ برگزار شد، تقاضا نامه‌هایی را با نظرات استانداری بین شرکت برق منطقه‌ای اصفهان و متقاضیان منعقد کردیم که متقاضیان در توسعه زیرساخت انتقال مشارکت کنند تا بتوان پذیرش شبکه را در حوزه انرژی خورشیدی افزایش داد. اما در مجموع، استقبال

اصفهان؛ بهشت انرژی خورشیدی در مسیر رفع ناترازی برق

دبیر میز انرژی‌های نوین استانداری اصفهان در گفت‌وگو با «اصفهان زیبا» از برنامه ورود پنج هزار و ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی به مدار تا پایان برنامه هفتم می‌گوید



برنامه
این است که
پنج هزار و ۳۰۰
مگاوات
انرژی خورشیدی
تا انتهای
برنامه هفتم
وارد
مدار شود



■ عکس از حمیدرضا نیکومرام

فوق العاده بوده است؛ البته از بانک‌ها گله داریم که به دلیل ناترازی و عدم تمایل به اعطای وام برای سرمایه ثابت، مشارکت نمی‌کنند.

■ آیا دستورالعمل یا آیین‌نامه‌ای وجود ندارد که از سرمایه‌گذار حمایت کند و تسهیلات در اختیارش بگذارد؟

ساتبا و وزارت نیرو دو طرح داشتند؛ طرحی ۷ هزار مگاواتی و یک طرح ۸ هزار مگاواتی که براساس آن به سرمایه‌گذاران وام تعلق می‌گیرد. ۷ هزار مگاوات در قالب اعطای وام به صورت تجهیزات کلیدی است و ۸ هزار مگاوات با اعطای اعتبارات از طریق صندوق توسعه ملی انجام می‌شود؛ یعنی منابعی که در اختیار صندوق توسعه ملی است. این ۱۵ هزار مگاوات با عاملیت بعضی بانک‌ها در حال انجام است، ولی بانک‌ها معمولاً تمایلی ندارند که از طریق منابع داخلی‌شان در این طرح‌ها شرکت کنند.

■ در برخی از وستاها نیز از مردم خواسته می‌شود که با پرداخت اخت مبلغ اندک در توسعه نیروگاه‌ها سهیم شوند. در این باره توضیح می‌دهید؟

نهادهای حمایتی با اعطای وام‌های کم‌بهره افراد را تشویق می‌کنند که سامانه‌های انشعابی پنج کیلوواتی داشته باشند؛ با این دیدگاه که هر چقدر تولید و مصرف به هم نزدیک‌تر باشند، برای شبکه برق بهتر است.

■ چه تعداد نیروگاه در اصفهان داریم؟
بیش از ۷ هزار نیروگاه انشعابی داریم که در مجموع حدود ۷۷ مگاوات می‌شود و کل ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر استان نیز حدود ۶۷۰ مگاوات است. بزرگ‌ترین آن‌ها فعلات نیروگاه فولاد مبارکه در شهرستان کوهایه با ظرفیت ۱۲۰ مگاوات است؛ بعد از آن هم نیروگاه ۱۱۸ مگاواتی است که به تازگی در اردستان افتتاح شده است. مابقی نیز نیروگاه‌های ۳۰ مگاواتی، ۱۰ مگاواتی، ۵ مگاواتی و به همین ترتیب کوچک‌تر هستند تا سامانه‌های ۱ کیلوواتی که در سراسر استان پراکنده شده‌اند.

■ آیا نیروگاه‌های کوچک تأثیرگذار هستند؟
بله خیلی زیاد. نیروگاه‌های کوچک از نظر رفع ناترازی خیلی بهتر عمل می‌کنند، چون به محل مصرف نزدیک‌ترند. استان اصفهان در هفتمین جایزه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر، در کنار دو استان دیگر یعنی خراسان رضوی و مرکزی حائز رتبه برتر شد. استان مرکزی در توسعه نیروگاه‌های بزرگ موفق عمل کرده و خراسان رضوی در توسعه نیروگاه‌های انشعابی و کوچک؛ اما اصفهان در هر دو زمینه موفق عمل کرده‌ایم؛ یعنی ۵۰ درصد از این ۶۷۰ مگاوات مربوط به نیروگاه‌های بزرگ و ۵۰ درصد مربوط به سامانه‌های انشعابی و خرد است.

■ توسعه کدام نیروگاه‌ها در اولویت قرار دارند؟

از نظر هزینه تمام‌شده، نیروگاهی که ظرفیت بالایی داشته باشد طبیعتاً بهتر است و نگهداری آن هم حرفه‌ای‌تر انجام می‌شود. در نیروگاه‌های کوچک، از این نظر که افراد زیادی متولی آن هستند، ممکن است مواردی مانند تمیزکردن به موقع پنل‌ها و زدودن گردوغبار فراموش شود یا نگهداری به خوبی صورت نگیرد. از طرفی، هزینه تجهیزات کوچک مثل اینورتر به ازای هر کیلووات گران‌تر تمام می‌شود. درحالی‌که در اینورترهای بزرگ صرفه اقتصادی بیشتری وجود دارد. اما در مجموع هم نیروگاه‌های بزرگ مزایای خود را دارند و هم نیروگاه‌های خرد. در نیروگاه‌های خرد هزینه‌های بالاتر است، ولی مردم دوست دارند سامانه تحت مدیریت مستقیم خودشان باشد. اخیراً طرح‌هایی تحت عنوان راه‌اندازی «نیروگاه‌های تجیمی» مطرح شده است؛ به این صورت که شرکت‌هایی در ساختگاه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کرده و ظرفیت نیروگاه را اصطلاحاً توکنایز (Tokenize) کرده‌اند؛ به عنوان مثال، هر ۵ کیلووات را در قالب یک توکن به متقاضیان واگذار می‌کنند. در این

راندمان دچار افت ناگهانی نمی‌شود، بلکه میزان ظرفیت تولید با یک شیب استاندارد کاهش می‌یابد؛ به این صورت که در سال اول به طور میانگین حدود یک درصد و از سال‌های بعد سالانه حدود ۰/۴ درصد از میزان تولید کم می‌شود؛ بنابراین حتی پس از ۲۰ سال، توان تولید این پنل‌ها حدود ۸۴ تا ۸۵ درصد توان روز اول خواهد بود. منظور از راندمان، میزان تابشی است که بر سطح تابیده می‌شود و مقداری که جذب می‌کند. این پنل‌ها به طور متوسط حدود ۲۳ درصد از این انرژی را می‌توانند جذب کنند. قیمت تمام‌شده تجهیزات خورشیدی و باتری‌ها به شدت در حال کاهش است و در آینده بسیار ارزان‌تر نیز خواهد شد. توجه کنید که قیمت‌ها از حدود ۱۵۰۰ دلار بر کیلووات در ۱۰ سال گذشته، اکنون به حدود ۳۵۰ دلار بر کیلووات رسیده است؛ یعنی هر کیلووات نیروگاه خورشیدی در حال حاضر به طور متوسط حدود ۳۵۰ دلار هزینه برمی‌دارد و این روند با هم ادامه خواهد داشت. همچنین فناوری‌های بسیار جدیدی خواهد آمد تا بتوانند این انرژی را ذخیره کرده و در زمان‌هایی که آفتاب نیست، آن را به شبکه تزریق کنند.

■ شبیهاتی مطرح بود که پس از پایان عمر مفید این تجهیزات (مثلاً ۲۵ یا ۳۰ سال دیگر)، ایران با قیرستانی از پنل‌های خورشیدی رازگار افتاده مواجه خواهد شد!

هم‌زمان با توسعه استفاده از نیروگاه‌ها، بحث بازیافت تجهیزات نیز به مرور مطرح شده و شرکت‌هایی به موضوع بازیافت پنل‌ها ورود کرده‌اند. باید در نظر داشته باشیم اگر یک نیروگاه واقعاً به صورت اصولی و با کیفیت ساخته شده باشد، پس از ۲۰ سال نیز قابل استفاده خواهد بود و می‌توان پنل‌های جدیدتر را جایگزین کرد. باید توجه داشت پنل‌هایی که ۱۰ سال پیش در کشور نصب می‌کردیم، حدود ۵۰ تا ۵۰۰ وات بودند، اما پنل‌هایی که اکنون وارد کشور می‌شوند ۲۷۰ تا ۲۸۰ وات هستند؛ این امر نشان می‌دهد که این حوزه می‌تواند توسعه پیدا کند. رویکرد کلی جهان به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و به ویژه انرژی خورشیدی است. به طور متوسط در ایران حدود یک هزار و ۹۰۰ ساعت آفتاب داریم، در حالی‌که در اروپا حدود ۹۵۰ ساعت (یعنی حدود ۵۰ درصد ایران) است و در شمال اروپا این میزان بسیار کمتر است. در آن کشورها، دولت‌ها با اعطای وام‌های کم‌بهره و وام‌های بلاعوض، این کمبود ۵۰ درصدی را جبران می‌کنند. اصفهان واقعاً بهشت انرژی خورشیدی است.

■ میانگین ساعات آفتابی در استان چقدر است؟
اصفهان حدود یک هزار و ۹۵۰ تا ۲۰ هزار ساعت آفتابی مؤثر در سال دارد؛ البته در مناطق مساعتر، وضعیت حتی مطلوب‌تر نیز می‌شود. اما واقعیت این است که در ابتدای صبح یا انتهای روز، میزان و زاویه تابش مناسب نیست. از این نظر، اصفهان هم به لحاظ درجه حرارت و هم از نظر میزان تابش و رطوبت، برای انرژی خورشیدی فوق‌العاده است. در غرب استان شرایط بهتر و در شرق استان مقداری کمتر است؛ زیرا با افزایش دمای روی پنل‌ها، میزان تولید آن‌ها کاهش می‌یابد.

■ چرا در غرب استان تولید بیشتر است؟
غرب استان به خاطر خنکی هوا شرایط بهتری دارد؛ با مثلاً در جنوب استان، مناطقی نظیر اطراف شهرضا و دهاقان به لحاظ تابش و تولید فوق‌العاده هستند. در نقاطی از جنوب کشور رطوبت بالایی وجود دارد که این خود نوعی محدودیت ایجاد می‌کند.

■ آیا پسماند‌های این پنل‌ها خطرناک هستند؟
خیر، پنل‌ها عمدتاً از شیشه و سیلیس تشکیل شده‌اند و پسماند خطرناکی ندارند؛ حتی بحث از زهمند بودن بازیافت آن‌ها مطرح است.

■ در فصول سرد سال وضعیت به چه صورت است؟ آیا باز هم این تجهیزات قابل استفاده هستند؟

بله؛ اما در فصول سرد تعداد ساعات تابش کاهش می‌یابد و زاویه تابش تغییر می‌کند. در ایران جهت پنل‌ها باید رو به جنوب باشد و زاویه آن‌ها معمولاً بین ۲۰ تا ۳۳ درجه تنظیم می‌شود. هر چقدر زاویه پنل بیشتر باشد، میزان تولید آن در زمستان بالاتر خواهد بود و متقابلاً در تابستان تولید کمتری خواهد داشت.

■ در مورد پنل‌های خورشیدی خانگی نیز توضیح بفرمایید؛ آیا در اصفهان از آن‌ها استقبال شده است و در کاهش ناترازی و صرفه‌جویی نقشی دارند؟

قطعاً همین‌طور است. همان‌طور که اشاره شد، هر چقدر تولید به محل مصرف نزدیک‌تر باشد، نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود. بر اساس برآورد شهرداری اصفهان، در این شهر ۱۵۰ هزار باب منزل مسکونی مستعد نصب پنل‌های خورشیدی هستند. این خانه‌ها باید ویژگی‌های خاصی از قبیل استحکام مناسب، عدم وجود سایه‌اندازی از سوی همسایگان و فضای کافی داشته باشند. اگر روی هر یک از خانه‌ها، ظرفیتی معادل ۵ کیلووات نصب شود، در مجموع ۷۵۰ مگاوات برق تولید خواهد شد. به همین دلیل، پروژه «شهر خورشیدی» کلید خورده است.

■ آیا هزینه راه‌اندازی پنل‌های خورشیدی خانگی چشمگیر است؟
حدود ۴۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان است. بانک‌ها، بخش قابل توجهی از این مبلغ را در قالب وام در اختیار شهروندان قرار می‌دهند. این عدد برای نوع متصل به شبکه است. نیروگاه‌هایی که در رابطه با آن صحبت کردم به شبکه وصل هستند و صرفاً برای درآمدزایی و اقتصاد خانواده است. معمولاً چهار سال طول می‌کشد، تا افراد به سود برسند. این موضوع در سال حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان سود به دنبال خواهد داشت.



استان اصفهان
در هفتمین جایزه
ملی انرژی‌های
تجدیدپذیر
در کنار دو استان
دیگر
یعنی خراسان
رضوی و مرکزی
حائز رتبه برتر
شد



■ در حال حاضر جایگاه استان اصفهان در سطح کشور از لحاظ ظرفیت و تولید نیروگاه‌های خورشیدی چگونه است؟ آیا این ظرفیت می‌تواند بر ناترازی برق کشور تأثیرگذار باشد؟

قطعاً تأثیرگذار است. در رتبه دوم قرار داریم. رتبه نخست متعلق به استان مرکزی است که دو یا سه نیروگاه بزرگ را وارد مدار کرده؛ البته نیروگاه‌هایی وجود دارند که آماده بهره‌برداری هستند؛ اما به دلیل عدم آمادگی شبکه، هنوز تولید ندارند.

در مقابل، تمام ظرفیت ۶۷۰ مگاواتی استان اصفهان هم اکنون در حال تولید برق است؛ بنابراین، اصفهان از نظر ظرفیت نامی و منصوبه در رتبه دوم و از لحاظ ظرفیت تولید واقعی در جایگاه نخست کشور قرار دارد. در کل کشور حدود پنج هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی وارد مدار شده که ۶۷۰ مگاوات آن متعلق به استان اصفهان است؛ یعنی حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد از کل برق خورشیدی کشور توسط اصفهان تولید می‌شود.

■ سهم این انرژی در جبران ناترازی برق کشور چند درصد است؟

امسال حدود ۵ درصد از انرژی مصرفی کل کشور را از محل انرژی خورشیدی تأمین کردیم که این روند بسیار روبه رشد مثبت است. این رقم با استاندارد شبکه‌های بزرگ دنیا که بین ۵ تا ۷ درصد است، برابری می‌کند. در استان اصفهان، ۱۰ درصد از انرژی برق کشور را مصرف می‌کنیم؛ درحالی‌که ۶ درصد از کل انرژی کشور را تولید می‌کنیم. تصور عمومی برخی شهروندان بر این است که استان ما صادرکننده انرژی است؛ اما واقعیت این است که به دلیل صنعتی بودن اصفهان، با ناترازی شدیدی مواجه هستیم. ما دوهزار مگاوات ناترازی داریم و ناچاریم انرژی را از استان‌های دیگر وارد کنیم.

■ استاندار به تازگی نوید راه‌اندازی نیروگاه جدیدی را داده است؛ درباره آن توضیح می‌دهید؟

بخش خصوصی مراجه و برای ظرفیت پنج هزار مگاوات درخواست ارائه کرده است؛ منتها در فاز نخست، پروانه دوهزار مگاوات اخذ شده و قرار است با مشارکت در توسعه زیرساخت شبکه انتقال، مجوزهای لازم را دریافت کند تا بتواند ظرفیت خود را طی سه سال آینده به پنج هزار مگاوات افزایش دهد؛ همچنین این برنامه وجود دارد که پروژه تکنیزه شده و امکان فروش آن در قالب توکن به شهروندان اصفهانی و کل کشور فراهم شود. ما انواع مختلفی از نیروگاه‌ها را داریم؛ از جمله نیروگاه‌های یک مگاواتی تا هفت مگاواتی که به شبکه‌های توزیع متصل می‌شوند و نیز نیروگاه‌های بزرگ. نیروگاه فولاد مبارکه متعهد شده است تا پایان سال جاری، ۱۸۰ مگاوات به شبکه اضافه کند و ظرفیتش به ۳۰۰ مگاوات برسد. بانک گردشگری دارای دو نیروگاه به ظرفیت‌های ۴۸۵ و ۳۰۰ مگاوات است و یک نیروگاه ۲۵۰ مگاواتی نیز وجود دارد که احداث آن در شمال شرق اصفهان و توسط بخش خصوصی در دست اجراس.

■ در سال‌های اخیر توجه زیادی به انرژی خورشیدی شده و این موضوع سرمایه‌گذاران و عموم مردم را به خود جذب کرده است. این مسئله ممکن است باعث انعاد منفی به همراه داشته باشد؟

انرژی خورشیدی، تنها اهرکار نیست؛ اما یکی از راه حل‌های بسیار مهم برای گذر از ناترازی و رفع چالش‌های کشور به‌شمار می‌رود. طی ۱۰ سال گذشته در میزان انتشار دی اکسیدکربن به عنوان یکی از گازهای گلخانه‌ای، در جایگاه ششم تا هشتم جهان قرار داشته‌ایم.

در این زمینه با کشورهایی نظیر کره جنوبی و آلمان در رقابت هستیم و سالانه حدود ۷۰۰ میلیون تن دی اکسیدکربن وارد جومی‌کنیم. گاز دی اکسیدکربن ذاتاً سمی نیست؛ بلکه به دلیل پایداری و ماندگاری طولانی مدت در لایه‌های فوقانی جو، مانع خروج گرما می‌شود و دمای کره زمین را افزایش می‌دهد. به دلیل مصرف بالای سوخت‌های فسیلی، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان دی اکسیدکربن در جهان هستیم.

در سطح بین‌المللی حدود ۴۲ درصد از انتشار دی اکسیدکربن ناشی از تولید انرژی الکتریکی است؛ در کشور ما بخش حمل و نقل و خودروها نیز سهم عمده‌ای در این تولید دارند. نکته مهم این است که ایران یکی از قربانیان گرمایش جهانی است و به دلیل موقعیت جغرافیایی، اثرات نامطلوب متعددی را متحمل می‌شود.



مهمان زیبا

شماره ۵۴۴۹

۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۵

چهارشنبه

وب‌رآستار و دبیر صفحه فاطمه رجب‌زاده

قابل تأمل

نگاهی به موقوفات معاصر

مرکز پژوهش‌های اسلامی در گزارشی به ذکر نمونه‌هایی از موقوفات معاصر پرداخته است. نکته قابل توجه در این گزارش آن است که این موقوفات، هر یک متناسب با توان و بضاعت واقع شکل گرفته‌اند و از این جهت، پویایی و کارآمدی سنت وقف در جامعه امروز را نشان می‌دهند.

■ سیم‌کارت‌رُند برای امامزاده

اداره اوقاف شهرستان داراب اعلام کرده است که یکی از واقفان، یک فقره سیم‌کارت با شماره‌رُند را وقف آستان مقدس سید علاءالدین حسین(ع) پیرمردار داراب کرده است.

شماره این سیم‌کارت ۰۹۱۷۲۳۲۲۰۰۰ است و اکنون به عنوان موقوفه امامزاده این شهر ثبت شده است.

■ ۱۴درخت بادام برای مرقد امام خمینی(ره)

یکی از اهالی شهرستان سرایان در استان خراسان جنوبی، ۱۴ درخت بادام را با هدف تأمین هزینه‌های مرقد امام خمینی(ره) وقف کرده است.

■ درخت زرشک برای کمک به فقرا

یکی از اهالی شهرستان سریشه، یک قلعه زمین زراعی با ۱۵۰۰ نهال زرشک را وقف کرده است. مساحت این زمین ۴۶ هزار مترمربع است و هشت ساعت آب از مدار ۱۶ شبانه‌روز دارد. قرار است درآمد حاصل از این زمین برای کمک به فقرا، فعالیت‌های قرآنی، ساخت مسجد و حسینیه و برگزاری مراسم عزاداری امام حسین(ع) هزینه شود.

■ باغ پسته برای تأمین مخارج حوزه علمیه

در شهرستان انار از توابع استان کرمان، فرزندان

یکی از اهالی این شهرستان، باغی شامل ۱۷۰ درخت پسته را برای تأمین مخارج طلاب حوزه

علمیه این شهرستان وقف کرده‌اند. مساحت

این باغ ۲۴۰۰ مترمربع است.

■ زمینی برای انرژی هسته‌ای

یک بانوی تهرانی، ملکی تجاری به ارزش دو میلیارد تومان در خرمشهر را برای توسعه فعالیت‌های علمی دانش‌جویان وقف کرده است. این ملک ۴۰۰ مترمربع مساحت دارد و نیت

واقف، حمایت از فعالیت‌های علمی در زمینه انرژی هسته‌ای عنوان شده است.



به نقل از از روایت عمومی سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و بر اساس اعلام سیمون سیمونیان مدیر دبیرخانه جشنواره، با پایان مهلت ثبت‌نام آثار در بخش‌های مختلف این رویداد، تعداد ۴۶ عنوان فیلم بلند داستانی، ۲۸۶ عنوان فیلم کوتاه داستانی، ۱۷۶ عنوان فیلم پویانمایی کوتاه، ۵۰ عنوان فیلم مستند کوتاه و ۱۰۷ عنوان فیلم هوش مصنوعی به دبیرخانه این دوره از جشنواره ارسال شده است.

همچنین از میان آثار رسیده، ۱۱۷ عنوان فیلم به موضوعات مربوط به مدرسه شجره طیبه منیاب، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان اختصاص دارد که متقاضی حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان هستند.

موقوفات؛ سرمایه‌های خاموش اقتصاد مردمی

چطور موقوفات می‌توانند بخشی از نیازهای امروز جامعه را تأمین کنند و چگونه می‌توان ظرفیت‌های اقتصادی آن‌ها را فعال کرد؟



این مسئله، یعنی ایجاد درآمد و فعال کردن ظرفیت اقتصادی موقوفات، سال‌ها یکی از مشکلات نظام اوقاف بود. اما از سال ۱۳۹۱، با آغاز سرمایه‌گذاری روی موقوفات، این موضوع تا حد زیادی سامان پیدا کرد و هر سال نیز شرایط آن بهتر شده است.

پیش از این، زمین‌هایی وجود داشت که واقفان آنها را به صورت خام وقف کرده بودند و به دلیل نبود امکان سرمایه‌گذاری، عملاً بلااستفاده مانده بودند.

گاهی حتی یک زمین موقوفه در یک محله به محلی برای انباشت زباله تبدیل می‌شد و مردم نیز در نهایت اوقاف را مسئول این وضعیت می‌دانستند.

با این حال، مسئله در مورد موقوفات انتفاعی مانند مسجد، مدرسه یا موارد مشابه همچنان وجود دارد. اگر زمینی برای ساخت مسجد یا مدرسه وقف شده باشد، نمی‌توان آن را به شکل دیگری مورد استفاده قرار داد و از آن درآمد کسب کرد.

برای مثال، فرض کنید زمینی برای ساخت بیمارستان وقف شده و قرار بوده مردم به صورت رایگان در آن درمان شوند. اگر فردی پانصد میلیارد تومان روی این زمین سرمایه‌گذاری کند، آیا می‌تواند بدون دریافت هزینه، مردم را درمان کند؟ هزینه ساخت و اداره بیمارستان باید از جایی تأمین شود. همین مسائل و محدودیت‌ها، مشکلات متعددی را در زمینه موقوفات ایجاد کرده است.

■ در واقع، شاید دست‌کم یکی از راه‌ها این باشد که به تعبیر شما، مشاوره‌هایی وجود داشته باشد تا از شکل‌گیری چنین مشکلاتی در سال‌های آینده جلوگیری شود.

بله. اگر به این موضوع رسیدگی شود، بسیاری از مشکلات قابل حل است. در کنار آن،

یکی از مسائل اساسی، نبود شناخت کافی از سازوکار وقف در میان مردم و حتی برخی

مدیران ارشد شهر و کشور است.

گاهی این تصور وجود دارد که اوقاف نهادی ثروتمند است و می‌تواند از منابع خود برای حل هر مشکلی، از مرمت مسجد سید و بناهای تاریخی گرفته تا رسیدگی به مشکلات فرهنگی شهر هزینه کند.

در حالی که دارایی و درآمد هر موقوفه متعلق به همان موقوفه است و باید بقیدار مسیری هزینه شود که واقف تعیین کرده است. برای مثال اگر دو موقوفه در کنار یکدیگر قرار داشته باشند و یکی از آنها ده هکت دارایی داشته باشد، در حالی که برق موقوفه دیگر به دلیل بدهی هزار تومانی قطع شده باشد، نمی‌توان از درآمد یا دارایی موقوفه نخست برای پوشش موقوفه دوم استفاده کرد.

هر موقوفه، درآمد و دارایی متعلق به خودش را دارد و این منابع صرفاً باید در همان مسیری هزینه شوند که واقف تعیین کرده است. این طور نیست که اگر در یک حساب پولی وجود داشته باشد، بتوان آن را برای هر کاری، هزینه کرد.

■ با توجه به اهمیتی که امور وقفی در جامعه دارند و همین‌طور اینکه عده‌ای می‌خواهند سرمایه و دارایی‌شان را در راهی بایرکت صرف کنند، پس چرا بعضاً نگاه مثبتی به وقف وجود ندارد؟ آیا این مشکل به عدم اعتماد بازمی‌گردد؟

به نظر من، بیش از ۹۰ درصد این مسئله به نبود آگاهی بازمی‌گردد. اداره اوقاف

تنها ارگانی است که حتی یک تومان اعتبار دولتی ندارد. موقوفات و بقاع نیز به

هیچ عنوان جزو اموال دولتی نیستند، بلکه اموال وقفی در راستای نیت واقف

به‌کاررفته می‌شوند. اما متأسفانه مردم گاهی این مسئله را با ساختار دولت درهم

می‌آمیزند و همین موضوع مشکلاتی ایجاد می‌کند. اگر مردم به این مسئله آگاه

شوند، در زمینه موقوفات، روش‌های مختلفی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد و

ما نیز تلاش کرده‌ایم این فرآیند را تا حد زیادی تسهیل کنیم.

برای مثال، زمینی موقوفه در نزدیکی امام صادق(ع) و عباس‌آباد داشتیم که

با ورود سرمایه‌گذار بخش خصوصی، از زمینی فاقد درآمد به مجموعه‌ای شامل

۱۱۷ واحد تجاری درآمدزا تبدیل شد؛ یعنی یک رقبه موقوفه به ۱۱۷ رقبه تبدیل

شد. این نمونه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری می‌تواند هم تعداد رقبات و هم

درآمد موقوفات را افزایش دهد.

یکی از مزیت‌های این نوع سرمایه‌گذاری آن است که زمین موقوفه از وقف خارج نمی‌شود و در عین حال، سرمایه‌گذار نیز حقوق مشخصی نسبت به سرمایه‌گذاری خود دارد. برای مثال، اگر فردی در یک واحد تجاری سرمایه‌گذاری کند، مالک سرقفلی آن خواهد بود، اما مالکیت زمین همچنان در اختیار وقف باقی می‌ماند. در واحدهای مسکونی یا اداری نیز این‌ان ایجاد شده متعلق به سرمایه‌گذار خواهد بود و رابطه استیجاری با زمین همچنان برقرار می‌ماند. از سوی دیگر، تلاش می‌کنیم شرایطی فراهم شود که سهم سرمایه‌گذار در سرمایه‌گذاری اولیه بیشتر باشد تا این مدل برای او نیز از نظر اقتصادی ترغیب‌کننده باشد.

ما در ۱۰ تا ۱۲ سال گذشته، سرمایه‌گذاری‌های بسیار خوبی در اصفهان انجام

داده‌ایم که شاید بسیاری از آنها برای مردم شناخته‌شده نباشد. در نتیجه این

سرمایه‌گذاری‌ها، نزدیک به ۲۰۰ رقبه به موقوفات اضافه شده است. همچنین

نزدیک به ۱۰ کاروانسرا که تقریباً چیزی از آنها باقی نمانده بود، به محل اقامت

و پذیرایی تبدیل شده‌اند و امروز مردم می‌توانند از این فضاها استفاده کنند.

■ اگر بخواهم صحبت شما را جمع‌بندی کنم، منظورتان این است که اگر وقف‌های مردم به سمت سرمایه‌گذاری هدایت شوند، می‌توانند فرآیند بخشش بیشتری داشته باشند.

شما نیز تلاش کرده‌اید تأمین سرمایه‌گذاری در اوقاف را

تسهیل کنید، اما مشکل اصلی همچنان نبود آگاهی

عمومی است و لازم است اطلاع‌رسانی و معرفی ظرفیت‌های

اوقاف بهتر انجام شود.

همین‌طور است و امیدواریم این امر میسر شود.

پنج سال مانده به انقلاب؛ مردم چه می‌گفتند و حکومت چه می‌شنید؟

دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، دوره‌ای متناقض در تاریخ معاصر ایران بود؛ از یک سو درآمدهای نفتی افزایش یافته بود و حکومت پهلوی با شعار «تمدن بزرگ» پروژه نوسازی و توسعه اقتصادی را با شتاب پیش می‌برد و از سوی دیگر، در لایه‌های اجتماعی شکاف‌هایی در حال شکل‌گیری بود که بعدها به یکی از زمینه‌های انقلاب ۱۳۵۷ تبدیل شد. کتاب «صدایی که شنیده‌نشد: نگرش‌های اجتماعی فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران»، به کوشش عباس عبدی و محسن گودرزی و با انتشار نشر نی، با بازخوانی یافته‌های «طرخ آینده‌نگری» تصویری متفاوت از جامعه ایران در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ارائه می‌کند.

■ طرح آینده‌نگری؛ جامعه‌ای که دیده نشد

طرح آینده‌نگری با مدیریت و طراحی فکری مجید تهرانیان و همکاری علی اسدی، با هدف شناخت ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی ایران برای پذیرش نوسازی سریع شکل گرفت. این طرح پیش‌بینی انقلاب را دنبال نمی‌کرد، بلکه می‌خواست بدانند جامعه‌ای که هنوز بخش مهمی از آن سنتی و روستایی است، تا چه اندازه آمادگی پذیرش تغییرات سریع ناشی از شهرنشینی، آموزش، صنعتی‌شدن و گسترش رسانه‌ها را دارد.

پژوهش با استفاده از نظرسنجی ملی، مصاحبه‌های عمقی و تحلیل داده‌ها و با همکاری گروهی از پژوهشگران جامعه‌شناسی در مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه (CNRS) انجام شد. نتایج آن تصویری از شکاف میان توسعه رسمی کشور و واقعیت اجتماعی مردم ارائه می‌کرد؛ شکافی که در ادبیات این طرح با مفهوم «توسعه نامتوازن» قابل توضیح است.

■ جامعه‌ای سنتی در برابر موج نوسازی

داده‌های طرح نشان می‌دادند که بخش بزرگی از جامعه هنوز از نظر فرهنگی و اجتماعی با الگوی سنتی زندگی

می‌کرد. تنها ۳۲ درصد خانواده‌ها تلویزیون داشتند

و حدود ۴۵ درصد باسواد بودند. ۷۵ درصد مردان با

اشتغال زنان در خارج از خانه متخلف بودند و ۲۴ درصد

پاسخ‌دهندگان، پدر، پدربزرگ یا مادربزرگ را مرجع اصلی

تصمیم‌گیری در خانواده می‌دانستند.

از سوی دیگر، ارتباط جامعه با محصولات فرهنگی

جدید نیز محدود بود. تنها ۹ درصد مردم به‌طور مرتب

کتاب می‌خواندند و ۳۲ درصد اعلام کرده بودند که حتی

یک جلد کتاب در خانه ندارند. بیش از ۲۳ درصد مردم

سینما را حرام می‌دانستند و حتی برنامه‌های آموزشی و

هنری مدرن تلویزیون نیز نتوانسته بود با بخش‌هایی

از جامعه ارتباط برقرار کند. این داده‌ها نشان می‌داد که

میان سرعت نوسازی رسمی و ظرفیت فرهنگی جامعه

فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ فاصله‌ای که با افزایش

حضور رسانه‌های مدرن، لزوماً کاهش پیدا نمی‌کرد.

■ مذهب؛ پناهنگاه جامعه در برابر تغییر

یکی از یافته‌های مهم طرح، برخلاف تصور بخشی از

سیاست‌گذاران وقت، افزایش یادست‌پاسخ استمرار جدی

گرایش‌های مذهبی بود. ۹۴ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام

کرده بودند نماز می‌خوانند و ۷۹ درصد روزه می‌گرفتند

و به رفتارهای مذهبی اهمیت می‌دادند. در تهران نیز

تعداد مساجد طی سه سال از ۷۰ به ۱۴۰ مسجد افزایش

یافته بود و سهم کتاب‌های مذهبی از فروش کتاب از ۱۰

به ۳۳ درصد رسیده بود. در چنین شرایطی، مذهب برای

بخشی از جامعه تنها یک سنت به‌جامانده از گذشته

نبود، بلکه به پناهگاهی هویتی در برابر تغییرات شتابان

تبدیل شده بود. حتی برخی مدیران وقت را دیوتلویزیون

نسبت به افزایش گرایش‌های مذهبی و بی‌اعتمادی

عمومی هشدار داده بودند.

■ بیگانگی سیاسی و شکاف میان مردم و حکومت

طرح آینده‌نگری در حوزه سیاست نیز تصویری

نگران‌کننده ارائه می‌کرد. تنها ۲۰ درصد مردم در انتخابات

مجلس و ۳۲ درصد در انتخابات محلی شرکت کرده

بودند. ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان نیز نمی‌دانستند

مشکل اصلی کشور چیست. در میان دانشجویان،

حدود ۴۰ درصد سیاستمداران را ناصالح می‌دانستند

و نیمی از آنها نابرابری، فساد و بی‌عدالتی را مهم‌ترین

مشکلات کشور معرفی می‌کردند.

در مقابل، روایت رسمی حکومت همچنان بر رشد

اقتصادی و حرکت ایران به سوی آینده‌ای درخشان

متمرکز بود. حتی هشدارهایی که از درون ساختار حکومت

مطرح می‌شد نیز جدی گرفته‌نشد. کنستانتین مؤلومان،

اقتصاددان و معاون سازمان برنامه‌بود، چه در فلسفای

با حضور شاه درباره پیامدهای سیاست‌های اقتصادی

هشدار داد و از احتمال شکل‌گیری اعتراضات خیابانی

سخن گفت؛ اما او اگاه‌نش، تهدید به برکناری او بود.

■ صدایی که شنیده‌نشد

مجید تهرانیان و علی اسدی در نهایت به مسئله‌ای

اشاره می‌کردند که می‌توان آن را هسته اصلی یافته‌های

طرح دانست: ایران گرفتار توسعه نامتوازن شده بود.

رشد اقتصادی و نوسازی زیرساخت‌ها تحول فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی متناسب همراه نشده بود. جامعه

به جای آنکه پیشرفت و پیشرفت می‌خواست، اما با بخشی از

مظاهر مدرنیتبه احساس بیگانگی می‌کرد؛ همچنان

به سنت و مذهب وابسته بود، از سیاست فاصله گرفته

و بود و از نابرابری و بی‌عدالتی ناراضی بود.

با وجود این یافته‌ها، در همایش شیزار در سال ۱۳۵۴،

به جای آنکه نتایج پژوهش به عنوان هشدار دربار

وضعیت جامعه جدی گرفته‌شود، بخشی از آن «غرب‌زد»

و روش پیمایشی آن کم‌اعتبار تلقی شد. چند سال بعد،

جامعه‌ای که این پژوهش نشانه‌های آن را ثبت کرده

بود، وارد یکی از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی تاریخ

معاصر ایران شد.

اهمیت «صدایی که شنیده‌نشد» در همین نکته است:

بسیاری از نشانه‌های ناراضی‌و شکاف اجتماعی پیش

از انقلاب در داده‌های یک پژوهش رسمی ثبت شده

بود؛ مسئله، نبود صدا نبود، بلکه شنیده‌نشدن آن بود.

من جاسوس بودم جاسوس اسرائیل!



کتاب «علیه اشباح» نوشته محسن حسن زاده، توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده و در قالب یادداشت ها و مشاهدات نویسنده، مخاطب را به فضای جنگ لبنان می برد. روایت این اثر، از چند روز پس از شهادت سید حسن نصرالله آغاز شده و تا محسن حسن زاده در «علیه اشباح» درصدد است تا تصویری نزدیک از بیروت ترسیم کند؛ تصویری که زندگی مردم زیر سایه جنگ را نشان می دهد و بر اساس آن وضعیت زندگی مردم لبنان پس از فقدان رهبر آن سید حسن نصرالله و حضور موثر نیروهای حزب الله در نزدیکی مرزهای رژیم اسرائیل است. حاصل سفر راوی در «علیه اشباح» به ثبت موقعیت های جنگی، تجربه انسانی در بحبوحه نبرد توجیه ویژه ای دارد. اضطراب، تنهایی، ناامنی، ترس، امید و مسئولیت، از ارکان اصلی فضای حاکم بر این روایت هستند. لحظاتی که بر آن است که نشان دهد چگونه جنگ برای انسان هایی که هر لحظه میان مرگ و زندگی قرار دارند، به تجربه ای روزمره تبدیل می شود و چگونه این فشارها بر روان و زیست انسان اثر می گذارد. در صفحات میانی کتاب روایت جالبی از مصطفی عبدالکریم حمود وجود دارد که متن زیر گزارشی از روایت اوست، «مصطفی نشست روی یکی از مبل هاو توی فاصله یک رذن به سیگارها، قضا داشت را برانجام تعریف کرد: من جاسوس بودم؛ جاسوس اسرائیل. آن روز که آن عامل موساد آمد سراغم که بروم توی دم دوستانگه شان، هنوز پشت لیم درست و حسابی سبز نشده بود. قبول نکردم. دوباره آمد. سه باره آمد. چهارباره آمد. بالاخره قبول کردم. اصل اصلش برادرم را می خواستند. برادرم از فرماندهان حزب الله بود. خب، هر کس خربزه می خورد باید پای لزش هم بنشیند دیگر! قبول کردم که گرای برادرم و اطلاعات پراکنده ای را که از فرماندهان دیگر به دستم می رسد بدهم بهشان. قرارهایمان توی خاک اسرائیل بود. از مرکبا، توی نقطه تقریبا سفر مرزی، می رفتم اسرائیل. با اسرائیلی ها ارتباط می گرفتم و اطلاعات را می گذاشتم کف دست شان. چند باری هم رفتم تا شهرهای تحت اختیارشان مثلا یک بار مرا بردند عسقلان. خانواده؟ برای بابا و مامان خیلی سخت بود. با یا ته مذهبی های مرکبا بود؛ اسم روح الله خمینی از دهانش نمی افتاد. یک پسرش شده بود فرمانده حزب الله و یکی اش عامل موساد. خب، غصه می خورد. لباس پوشیدم، دوستانم، اینکه آن رادیوی باتری خور را می گرفتم دستم و آهنگ های آن چنانی گوش می کردم و می خواندم روی مخ خانواده بود.

مامان، اگر راه داشت، تکم می زد. از بچگی زیاد ادیتش می کردم. شیطانی بودم برای خودم! البته هدف گیری مامان هم خوب بود. توی خانه مان، کنار راهپله ها، یک ال مانند بود. آن روز که رفتم توی برکه و گند زدم به لباس هایم و برگشتم و رفتم حمام و دوباره از در پشتی می خواستم فرار کنم و بروم برکه، دمیایی اش را طوری پرت کرد که خدایی اش مسی نمی توانست این طوری کات در توپ را شوت کند. در وهمسایه و فک وفا مبل می آمدند چُخلی که پسر تان چنین است و چنان؛ و صبر ایوب می خواست تلاش برای تنبیه نکردنم.

گذشت تا ۱۹ اکتبر ۱۹۸۸، روزی که با عبدالله عطوی با نیم تن مواد منفجره توی ماشین بودیم و داشتیم می رفتیم یوابه فاطمه؛ دم مرز اسرائیل. توی مسیرمان از محله های خودم گذرگشیم. یکی از زن ها راهپله ها را توی ماشین دید. ما شین دید. چند دقیقه بعد، ماشین عبدالله منفجر شد... «هدیه لاتفاضه الاولی فلسطینی، عبدالله عطوی، خر عاملی حزب الله بود. این اسم جهادی اش بود. من چهار دقیقه قبل از عملیات استهدادی از ماشین بازن به یک کاروان اسرائیلی و اسکورت شان. بعدها فهمیدم که از کجا خودم. آمدند سراغم، دستگیر کردند. آن روز رابطم با اسرائیل توی محله مان بود. آن زن- فامیل عبدالله- که صدای انفجار را شنید، جیغ و دادش محله را برداشت. عامل موساد رفته بود سراغش که بفهمد کی توی ماشین بوده. زن مرا نمی شناخت. اما لعنتی عجیب حافظه ای داشته. جوری چهارمهر را توصیف کرده بود که رابط مان صاف آمد سراغم من. لو رفتم. پنج سال عضویم توی تشکیلات حزب الله را مخفی نگه داشته بودم. عامل موساد که آمد سراغم، همه چیز را گذاشتم کف دست برادرم. با حزب الله هماهنگ شدیم. قرار شد سه چهار بار دعوت شان به همکاری را قبول نکنم که شک نکنند؛ از آن ها همسرا و از من انکار؛ اما خب، بالاخره نرم شدم. برادرم و مغزهای متفکر حزب الله می نشستند در هر و دقیق طراحی می کردند که چه اطلاعاتی را بدهم به اسرائیلی ها که شک نکنند. می خواستم تا جایی که می شود اعتماد شان را جلب کنم؛ نفوذ کنم توی دم و دستگاه شان. خبر ندانستند کسی که تا چند

ماه قبل شب ها با بچه های حزب الله می رود توی مسیر کاروان های اسرائیلی مین می گذارد منم. از بچگی می دیدم شان، هشت سالم بود که آمدند توی مرکبا...»



زینب تاج الدین

دبیرگروه یاداری

فائزه براتی هنوز انگشتر عقیقی را که محمد، درست بعد از عقد، به او هدیه داده، به دست دارد. همان انگشتری که سال ها پیش، بعد از خواندن خطبه عقد، در گلستان شهدا دستش کرد. آن روز شاید هیچ کدامشان نمی دانستند این انگشتر قرار است سال ها بعد یکی از معذوق یادگارهای مردی باشد که پیکرش پس از شهادت در جنگ ۱۲ روزه، با آزمایش دی ان ای شناسایی شد. ■

فائزه و محمد هم محله ای بودند. خانواده هایشان در شهر درجه یکدیگر را می شناختند و پدر محمد هم از همان سال هایی که بچه ها کوچک بودند، آنها را با خود به اردوهای راهیان نور می برد. فائزه هم در بعضی از این اردوها حضور داشت، اما خودش می گوید محمد رادر آن سال ها به یاد نمی آورد و بیشتر برادرهایش در ذهنش مانده اند. محمد متولد تیرماه سال ۱۳۶۷ بود و فائزه ۲۲ بهرپور ۱۳۷۲ به دنیا آمده بود. سال ۱۳۹۱ عقد کردند و سال ۱۳۹۳ زندگی مشترکشان را شروع کردند. چهار سال بعد از ازدواج، محمد حسین به دنیا آمد و سال ۱۳۹۹ هم محمد هادی به جمع سه نفره شان اضافه شد. زندگی که از یک جشن ساده شروع شده بود، قرار بود یازده سال ادامه پیدا کند؛ یازده سالی که برای فائزه حالا بیشتر از هر چیز با خاطره مردی گره خورده که همیشه می گفت «شهادتش لنگ خانه وزندگی است!»

■ کودکی که با توکل به دنیا آمد

قصه محمد، به روایت همسرش، از سال ها پیش از تولد او شروع می شود. پدر محمد در دوران دفاع مقدس و در جریان عملیات محرم در معرض مواد شیمیایی قرار گرفته بود. پزشکان به او گفته بودند دیگر نباید بچهدار شود، چون احتمال داشت فرزند بعدی دچار معلولیت یا مشکلات جسمی شود. با این حال مادر محمد با توکل به اهل بیت برادر شد. آزمایش ها نشان دادند بچه سالم است. محمد، سومین فرزند خانواده، در شرایطی به دنیا آمد که پدرش در نبرد خلیج فارس و در رویایمی با ناوهای آمریکایی حضور داشت. پدرش تنها فردی بود که از آن نبرد به خانه برگشت؛ با پایی که به شدت آسیب دیده بود.

فائزه می گوید پدر محمد درست زمانی به خانه رسید که همسرش تازه زایمان کرده و از بیمارستان مرخص شده بود. مادر محمد بعدها برای خانواده تعریف کرده بود که در آن روزها، با وجود شرایط سخت و نبودن کسی برای کمک، بعد از یکی دو روز استراحت دوباره بلند شده و زندگی را اداره کرده است.

محمد از همان سال های نوجوانی نشانه هایی از مسیری را که بعدها انتخاب کرد، نشان داده بود. در ۱۵ یا ۱۶ سالگی به سفر دانش آموزی مکه رفت. وقتی برگشت، خیلی ها از حال و هوای او در این سفر تعریف کردند. حاج آقا مجتبی، از علمای شهر درجه، بعدها گفته بود در میان کسانی که از آن سفر برگشته بودند، دو نفر بودند که با گریه درباره آنچه دیده و تجربه کرده اند، حرف می زدند؛ یکی از آنها محمد بود. به گفته او، رسیدن محمد به چنین جایگاهی دور از انتظار نبود.

■ عقدی که با اشک گذشت

فائزه و محمد در فاصله تولد امام هادی (ع) تا عید غدیر عقد کردند. خطبه عقد راآیت الله عبودیت خواند و محمد در تمام مدت خطبه مرتب گریه می کرد. آن دو، دفتری داشتند که در آن برای هم از دلنتگی هاو حرف هایی می نوشتند که شاید در گفت وگوی روزمره مجال بیانشان نبود. محمد در یکی از نوشته هایش برای فائزه نوشته بود که همیشه آرزو داشته گوشه ای از روضه حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع) را درک کند. روز عقد، وقتی خطبه خوانده می شد، در ذهنش صحنه ای از روضه حضرت زهرا(س) را مرور کرده و به همین دلیل گریه کرده بود. او حتی آن روز را روزه گرفته بود؛ چون دوست داشت به همسر آینده اش با زبان روزه «بله» بگوید. عروس و داماد بعد از عقد به گلستان شهدا رفتند و محمد همان جا اولین هدیه را به فائزه داد؛ همان انگشتر عقیق که هنوز دست اوست.

در همان دفتر، محمد جمله دیگری هم خطاب به فائزه، همسرش نوشته بود؛ «شما حاصل توولات من هستید. فائزه خودش هم از حدود یک سال پیش از ازدواج، با این باور که ازدواج می تواند سرنوشت دنیا و آخرت انسان را تغییر دهد، هر شب سوره های یاسین، حشر، نبأ و الرحمن را می خواند و دعای توسل و زیارت عاشورا به جامی آورد تا ازدواج موفقش داشته باشد. حالا که سال ها از آن روزها گذشته، می گوید نتیجه آن دعاها رادر زندگی مشترکش دیده است.

■ زندگی ساده؛ اما با فکرهای بزرگ

جشن عقدشان ساده بود و برای عروسی هم سراغ تجملات نرفتند. فائزه می گوید: «محمد از همان ابتدا بیشتر از آنکه به ظاهر زندگی فکر کند، به فرهنگ و

می گفت شهادتتم لنگِ خانه وزندگی ام است!

روایت «فائزه براتی»؛ همسر شهید «محمد براتی» از زندگی مشترک، دل بستگی های همسرش به جهاد و فرهنگ و آخرین روزی که دیگر به خانه برگشت



محتوای آن اهمیت می داد. «ملا برخلاف رسم آن روزها که عروس برای آرایشگاه به اصفهان می رفت، فائزه همان نزدیکی خانه و در شهر درجه آرایشگاه رفت. ماشین عروس را هم گل ن زدند و به جای آن چند بادکنک داخل ماشین ریختند. از مهمان ها خواستند بوق و ترقه زنند، چون شاید بیماری در خانه ای باشد. عروس کشانشان هم به مزار شهدای کوه سفید شهر ختم شد و برای کارت عروسی، ازآن ترین گزینه را انتخاب کردند.

اما محمد برای همین عروسی ساده هم یک ایده فرهنگی داشت. او تعدادی سخنرانی از علما تهیه کرده بود و بخشی از صحبت های رهبر انقلاب با مضمون «بروید با هم بسازید، با روی سی دی آماده کرده بود. هر کارت عروسی که به مهمانان می دادند، یک سی دی هم کنارش می گذاشتند و از آنها می خواستند آن رادر ماشین گوش کنند تا به تعبیر خودشان، پیوند زندگی محکم تر شود. «محمد حتی با برگزاری عروسی در تالار هم موافق نبود. می گفت اگر هزینه تالار را کمتر کنیم، می توانیم تعداد بیشتری مهمان دعوت کنیم. برای تهیه چیزیه هم سخت نمی گرفت.»

فائزه می گوید آنها تصمیم گرفته بودند برای خودشان زندگی کنند، نه برای خانواده ها و اطرافیان. اگر کسی درباره رفت و آمدهای زیاد محمد به بسیج حرفی می زد، فائزه به جای اعتراض، با همسرش صحبت می کرد و موضوع را بین خودشان حل می کردند.

■ مردی که محله را فراموش نکرد

محمد در زمان خواستگاری، مسئول فرهنگی پایگاه بسیج پودان زمان ۲۴ سال داشت. بعدها جانشین پایگاه شد سه سال آخر فرمانده پایگاه بود. او می توانست در نیروی زمینی خدمت کند، اما هوافضا را انتخاب کرد. اعتقادش این بود که بسیاری از کارهایی که می توان در برخی عملیاتی و فرهنگی پایگاه انجام داد، در نیروی زمینی هم ممکن است؛ اما هوافضای کار دارد که نمونه

مشابهش بیرون از آن مجموعه کمتر پیدا می شود. فعالیت هایش اما فقط به محل کار محدود نمی شد. برای محله ایده های مختلف داشت؛ از طرح بازیافت گرفته تا خرید سیستم صوتی و اجاره دادن آن برای درآمد زایی پایگاه. «تلاش کرد جوان ها و نوجوان ها را جذب کند. حتی سراغ کسانی رفت که از مسجد و پایگاه فاصله گرفته بودند و سعی کرد دوباره آنها را دور هم جمع کند. فائزه می گوید: «محمد تلاش می کرد میان همه اعتدال را رعایت کند و مشکلات مردم را حل کند. حتی وقتی خودش آن قدر مشغله داشت که فرصت زیادی برای خانه باقی نمی ماند.»

صبح ها حدود ساعت ۶:۳۰ از خانه بیرون می رفت و گاهی ساعت ۱۱ یا ۱۲ برمی گشت. بعضی شب ها وقتی به میهمانی می رسید، بچه ها خواب بودند و صبح هم که از خانه بیرون می شد، هنوز خواب بودند. «این حال، فائزه تأکید می کند که هیچ وقت برای او و بچه ها کم نگذاشت. حتی یک ناهار ساده کنار هم برای خانواده تبدیل به اتفاقی خوشحال کننده شده بود. فائزه یادش هست که وقتی یک روز محمد برای ناهار خوانه بود، به او می گفتند: «ما خیلی خوشحالیم که امروز کنار شما ناهار می خوریم.»

محمد رسال های آخر مسئول کاروان راهیان نور محله احمدآباد درچه هم شد و در آخرین اعزام، نزدیک به هزار نفر را به راهیان نور برد؛ کاری که به گفته فائزه سخت و سنگین بود، اما با رضایت بیشتر افراد همراه شد.

■ شهادت لنگ خانه وزندگی ام است

محمد مدت ها قبل درباره شهادت با همسرش حرف زده بود. فائزه می گوید او صریحا گفته بود اگر جنگی اتفاق بیفتد، شاید دیگری به خانه برنگردد و از خانواده خواسته بود خودشان را برای چنین روزی آماده کنند. آرزوی محمد این بود که در جنگ با اسرائیل کشته شود.

همیشه می گفت چقدر خوب است روی سنگ قبر آدم بنویسند «شهادت به دست شقی ترین افراد، در عملیات وعده صادق (۲) هم وقتی فائزه با او تماس می گرفت و می گفت «خوش به حالان که در خط مقدم هستید»، محمد جواب می داد: «این ثواب برای شما هم نوشته می شود. خوشحال بود که دشمنان در فهرست کسانی قرار گرفته که در نابودی اسرائیل نقش داشته اند. وقتی فائزه از او پرسید آنها در خانه چه کاری می توانند انجام دهند، جوابش ساده بود: «مردم دعا و توسل بخوانند و ختم صلوات بگیرند.» چون باور داشت همین دعاهاست که اثر می گذارد. محمد خودش هم اهل توسل بود. بعد از بعضی رزمایش ها برای فائزه تعریف می کرد که چطور مناجات کرده با توسل گرفته است. یک بار گفته بود در یکی از رزمایش ها حالش آن قدر دگرگون شده که دوستانش بعد از چند روز به او گفته اند آن روز «نور بالا می رده» و همه مطمئن شده بودند که شهید خواهد شد. حدود یک سال پیش از شهادتش نیز در محل کار، گازهایی استنشاق کرده بود که ریه اش را درگیر کرد و به نوعی درصدی جانبازی برایش ایجاد شد، اما هیچ وقت دنبال این موضوع نرفت.

او همیشه به فائزه می گفت: «شهادتتم لنگ خانه و زندگی ام است. فکر می کنم باید این خانه را برای شما آماده کنم و بعد شهید شوم. شش ماه بعد از اینکه خانواده او در خانه جدید شان شدند، محمد شهید شد.

■ نامه ای برای روزهای نبودن

یکی از یادگارهای محمد، دست نوشته ای است که فائزه هنوز آن را نگه داشته است. محمد حسین، پسر بزرگشان، کلاس اول بود. در یکی از روزهای رزمایش یا

عملیات وعده صادق برای پدرش نوشته بود: «بابا جون دعا می کنم سالم بری و سالم برگردی و برای نابودی اسرائیل و آمریکا دعا کن.» محمد که نوشته پسرش را دید، جواب داد و در ابتدای نامه نوشت: «سلام بر عزیزانم فائزه جان، محمد حسین و محمد هادی. آفرین بر تو. با این نوشته ات فهمیدم که بزرگ شدی. دعا کن بتونیم آمریکا و اسرائیل و متحدانشون شکست بدیم. دعا می کنم که انشالله امام زمان ظهور کنه و شما و برادرت جز یارانش نبشید. محمد حسین خواست به مامان و داداش باشه. محمد هادی شما هم خواست به مامان و داداش باشه. دوستتون دارم. لطفا دسر ها تو بخون قبل از اینکه مامان بخواد بهت بگه.» او این نامه را فروردین ۱۳۹۴ و تنها چند ماه پیش از شهادتش نوشته بود.

■ «خونه؟ دیگه تموم شد...!»

جنگ ۱۲ روزه که شروع شد، محمد فقط دو بار با خانواده تماس گرفت. «یک بار پیگیر پرچم های محرم بود و می خواست بدانم بچه های پایگاه آنها را نصب کرده اند یا نه. بار دوم درباره جشن عید غدیر پرسید؛ جشنی که قرار بود در فضایی باز اردوگاه برگزار شود، اما محمد به دلیل مسائل امنیتی تأکید کرده بود آن را به مسجد منتقل کنند.» فائزه توی یکی از همین تماس ها برایش تعریف کرد که در جشن، مردم شعار داده بودند و با وجود شرایط جنگی ترسی نداشتند. محمد از شنیدن این حرف خیلی خوشحال شده بود. محمد اما در یکی از تماس های آخر گفت: «حالم کنیز.» فائزه همسرش اما چون همیشه از شنیدن حرف های مربوط به شهادت فرار می کرد، جوابش را نداد. پدر محمد هم بعدها گفت که محمد به او هم رنگ زده و گفته بود: «بابا حالم کن.» پدر جواب داده بود: «این حرف ها چیه؟» محمد گفته بود شماره مادرش را ندارد و از پدرش خواسته بود به مادرش بگوید حلالش کند.

صبح ۲۷ خرداد، محمد دوباره تماس گرفت و چند ساعت بعد، حدود ساعت ۳ و دقیقه عصر، در پایگاه محل خدمتش در مورچه خورت به شهادت رسید. آخرین مکالمه فائزه و محمد حدود ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح همان روز بود؛ تقریبا شش ساعت پیش از شهادت. فائزه از او پرسید: «آقا محمد، دیگه خونه نمایی؟» و محمد جواب داده بود: «خونه؟ خونه دیگه تموم شد!»

در تمام روزهای جنگ، فائزه اضطراب عجیبی داشت و خوابش نمی برد. اما بعد ازظهر ۲۷ خرداد، درست در همان لحظات شهادت محمد، آرامش عجیبی پیدا کرد و خوابید. «حتی آن شب هم برخلاف شب های قبل راحت خوابیدم و البته نمی دانستم که محمد شهید شده است.»

بعد از شهادت محمد، فائزه شروع به تمیز کردن خانه کرد. هنگام شستن کف خانه، ناگهان فکری از ذهنش گذشت: «نکنه تولد آقا محمد با شهادتت یکی بشه؟» تولد محمد اول تیر بود. خودش را سرزنش کرد و گفت این چه فکری است و آن را به حساب وسوسه ذهن گذاشت. اما واقعیت این بود که او خانه را برای پیکر محمد تمیز می کرد، برای آمدن دوستان محمد؛ برای آدم هایی که قرار بود بیایند و به خانواده اش تبریک و تسلیت بگویند.

پیکر محمد به شدت سوخته بود و با آزمایش دی ان ای شناسایی شد. اول تیر، درست در روز تولد ۳۷ سالگی اش، خبر شناسایی او را به خانواده دادند، «با تنها انگشتری که از میان وسایلش سالم مانده بود.»

همان روز، فائزه هنوز نمی دانست اتفاق دیگری هم افتاده است. یکی از هم محله ای هایشان، امیرحسین براتی، که از دوستان محمد و مسئول تبلیغات پایگاه بسیج بود، نیز در همان حمله به شهادت رسیده بود. امیرحسین تنها چهار ماه از ازدواجش گذشته بود. وقتی خبر شهادت امیرحسین براتی به آنها رسید، لباس مشکی پوشید و آماده شد تا با خانواده برای تسلیت به خانه آنها برود. «نمی دانستم محمد و امیرحسین با هم شهید شده اند.» خانواده امیرحسین اما از ماجرا خبر داشتند. آنها صبر کردند تا چیزی از پیکر محمد پیدا شود؛ «به احترام محمد که فرمانده امیرحسین بود.» و سرانجام دو دوست، هم محله ای و هم مسر، در یک روز تشییع و به خاک سپرده شدند.

برای فائزه اما محمد همچنان در همان خانه ای حضور دارد که شش ماه پیش از شهادتش برای ساختنش عذاب وجدان داشت. همان خانه ای که می گفت باید اول برای خانواده اش آماده اش کند و بعد برود. خانه ای که آخرین بار، شش ساعت پیش از شهادتش، وقتی فائزه از او پرسید «دیگه خونه نمایی؟»، جواب داد: «خونه؟! خونه دیگه تموم شد!»



وبیارسار و دبیر صفحه زینب تاج الدین

■ خبرخوان

دفتر آیت الله سیستانی میزبان خانواده های شهدای جنگ رمضان



مراسم تجلیل و تکریم از خانواده های معظم شهدای جنگ رمضان، با میزبانی دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی و با حضور برخی از مسئولین بنیاد شهید و جمعی از خانواده شهدا در سالن سیدالشهدا برگزار شد.

به گزارش فارس، عباسعلی رضایی؛ مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان های استان تهران، در این مراسم ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و جنگ رمضان گفت : خانواده های شهدا، پدران، مادران، همسران و فرزندان شهدا، صاحبان اصلی فرهنگ ایثار و شهادت هستند و صبر و ایستادگی آنان باید همواره مورد تکریم قرار گیرد.

او با اشاره به جایگاه والای شهدان افزود: یاد، نام، مرام و اهداف شهدا، به ویژه روحیه استکبارستیزی آنان، باید در جامعه زنده بماند و نسل های آینده نیز با این فرهنگ آشنا شوند. رضایی ادامه داد: مسئولان نظام اسلامی خود را ادامه دهنده راه شهدان و آرمان های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می دانند و خدمت به خانواده های معظم شهدا را برای خود یک افتخار و توفیق می دانند.

■ قدردانی از میزبانانی

دفتر آیت الله سیستانی

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان های استان تهران با قدردانی از حضرت آیت الله سیستانی و دفتر ایشان برای برگزاری این آیین گفت : توجه و عنایت مراجع عظام به سیماتنی از دست انداز عزیزان خود، خانواده های شهدا، موجب دلگرمی امی این خانواده ها و نشان دهنده جایگاه رفیع فرهنگ ایثار و شهادت است.

رضایی با اشاره به تلاش دشمنان برای تضعیف روحیه ملت ایران خاطرنشان کرد: دشمنان با محاسبات ظاهری خود تصور می کنند ملت ایران و مسلمانان را می توانند از مسیر مقاومت و ایستادگی خارج کنند، اما فرهنگ عاشورا و مکتب امام حسین (ع) در میان مردم زنده است. وی افزود: ملت ایران با تکیه بر فرهنگ ایثار و شهادت و با الهام از مکتب سیدالشهدا (ع)، در برابر تهدیدها و توطئه های دشمنان ایستادگی خواهد کرد.

او با بیان خاطراتی از خانواده های شهدا، روحیه ایثار و رضایتمندی آنان را از مهم ترین جلوه های فرهنگ شهادت دانست و تصریح کرد: خانواده های شهدا با وجود داغ سنگین از دست دادن عزیزان خود، همواره بر رضایت الهی و ادامه مسیر شهدا تأکید داشته اند.

در ادامه مراسم حجت الاسلام والمسلمین موسوی مقدم؛ نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران به تبیین جایگاه شهادت در فرهنگ اسلامی پرداخت. وی با اشاره به آیه شریفه **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةُ**، اظهار داشت: شهادت نوعی مرگ است، با متفاوت آن با سایر مرگ ها در این است که در شهادت مفهوم معامله، سود و منفعت مطرح می شود.

موسوی مقدم افزود: انسان در طول زندگی سرمایه ای به نام عمر در اختیار دارد و هر شهید این است که از این سرمایه به گونه ای استفاده می کند که در معامله با خداوند، سود کامل نصیب او شود.

نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به تعبیر امام خمینی (ره) که «شهادت هنر مردان خداست»، تصریح کرد: هر شهید یک هنرمند است؛ چراکه هنرمندان زندگی می کنند و در فراز و نشیب های زندگی مسیر خود را به گونه ای طی می کنند که سرانجام در معامله با خداوند به سودی بزرگ و ماندگار دست می یابد.

او ادامه داد: خریدار این معامله ذات اقدس الهی است و چه معامله ای بالاتر از اینکه انسان جان خود را در راه خدا قرار دهد و در مقابل، بهشت و سعادت ابدی را به دست آورد.



صفهان زیبا

شماره ۵۴۴۹

۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۵

چهارشنبه

شرکت پیام اصفهان زیبا

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا مدیرمسئول دکترعلی قاسم‌زاده مدیرعامل سید علیرضا حسینی سردبیر محمد حسین اعتزازیان

معاون بازرگانی سید محمودحید حکیم فعال معاون اداری و مالی جواد علیتقیان

هیئت تحریر: فرشاد توسلی، فاطمه رجب‌زاده و مریم نقیان (فرهنگ و اندیشه) احمد مهرکوش، زهره‌سادات کاظمی زهره قند هاری و سارا حقیقی (هم محله) بگاه فاطماری، مینا ایزدی و منیره‌سادات کاویانی (اقتصاد و سیاست) محمد حسین اعتزازیان و لیلامقیمی (روایت شهر و جامعه)، سیده‌ترکس نظام‌الدین (هنر و ادبیات)، زینب تاج‌الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی) مهری مصور(ورزش)

گرافیک علیرضا مظاهری
علی نصر آزادانسی و سولماز رجبی
سر ویراستار عبدالرحمانی

عکس حمیدرضا نیکومرام

چند رسانه‌ای: سیدمیلاد میردامادی حسین کشکولیان و امید هاشم‌زاده

مجاری و شبکه های اجتماعی: مهدی سروری زهراتوکولی، مانده رشوقی لیلا کهلانی، فاطمه توکلی

فناوری اطلاعات: محمد کاظم کمالی

صفهان زیبا

صدای مطالبات مردم اصفهان

esfahanzibaonline.ir
eitaa.com/esfzibanews

اصفهان، خیابان فردوسی
بن بست امام (شماره ۱۵)

تلفن ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۱
حرف مردم ۰۳۰۰۰۴۰۰۰۲۵۲۴
امور آکهرها ۰۳۱-۳۲۲۲۵۲۵۸

چاپ موسسه جام جم برتربرنا

بزرترین روزنامه استانی در ایران دارای امتیاز ۹۲٫۲ در رده‌بندی مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هوا محاله

ویژه‌نامه محلات شهر اصفهان

رویداد فغان

ویژه‌نامه شهر زندگی و مساله‌های آن

سیر چری

ویژه‌نامه پایبدری اصفهان

حلقه‌ها

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب اسلامی

گرم‌ترگ‌ها

ویژه‌نامه میراث وگردشگری اصفهان

تیمیر

رسانه اقتصادی اصفهان



ویراستار و دبیر صفحه سیده ترکس نظام‌الدین

مکاشفه‌ای برای نقد فیلم اصفهان

کتاب «مکاشفه‌ای در قاب‌ها» اثر حانیه عباسی، می‌تواند به تقویت جریان نقد مکتوب سینما در اصفهان و کشور کمک کند



راهنمایی

فشرده برای فهم نقد و

تحلیل فیلم

عباسی درباره مفهوم «جامع» در عنوان فرعی کتاب نیز توضیح می‌دهد: «منظور من از "جامع" چند لایه است. نخست اینکه این کتاب باوجود حجم نسبتاً کم و فشرده‌اش، تلاش می‌کند پهنه وسیعی از مباحث موردنیاز برای نقد فیلم را پوشش دهد؛ از مفاهیم بنیادین و روش‌شناسی نقد گرفته تا زبان و عناصر سینما، و در نهایت، کاربرد عملی این دانش در تحلیل آثار شاخص. دومین لایه جامعیت به مخاطب آن برمی‌گردد؛ این کتاب می‌کوشد برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان مفید باشد؛ از دانشجویان سینما و منتقدان تازه‌کار گرفته تا علاقه‌مندان جدی سینما و حتی مخاطب عمومی‌ای که می‌خواهد فیلم‌ها را عمیق‌تر ببیند.» او اضافه می‌کند: «اما خلأی که این کتاب پر می‌کند، یک دفترچه راهنمای جمع‌وجور و درعین حال پرمحتو در فضای نشر سینمایی ایران است؛ منبعی که خواننده بتواند با مراجعه به آن، هراه‌های ذهنی‌اش را درباره چپستی نقد و چگونگی نگارش آن باز کند، بدون آنکه نیاز باشد در آنبوه‌ی از کتاب‌های حجیم و ترجمه‌های بعضاً دشوار سردرگم شود. سعی کرده‌ام کتاب به‌گونه‌ای نوشته شود که نه برای تازه‌کاران، دشوار باشد و نه برای متخصصان، ساده‌لوحانه.»

دو جلد برای عبور از مبانی به میدان عمل

«مکاشفه در قاب‌ها» در دو جلد تدوین شده که هرکدام کارکرد مشخصی دارند و درعین‌حال، مکمل یکدیگرند. حانیه عباسی درباره جلد نخست توضیح می‌دهد: «جلد اول را می‌توان "دوره مبانی" یا "شالوده نظری" نامید. این مجلد از یک پرسش بنیادین شروع می‌شود: نقد فیلم چیست و چه تفاوتی با تحلیل، یادداشت، رویو و سایر گونه‌های نوشتاری مرتبط دارد؟ سپس به تفصیل به روش‌شناسی نقد و تحلیل فیلم پرداخته و خواننده را با رویکردهای مختلف نقد از جمله فرمالیستی، ساختاری، روان‌کاوانه، نشانه‌شناختی و مؤلف‌محور آشنا می‌سازد. اما قالب تپنده جلد اول، بخش "زبان و عناصر سینما" است؛ جایی که از قاب و نما، حرکت دوربین، نورپردازی، صدا، فضا، میزانشن و تدوین می‌گویم و نشان می‌دهم که چگونه درک این عناصر، پیش‌شرط هر نقد عمیقی است.»

او درباره افق گسترده‌تر جلد دوم توضیح می‌دهد: «در این جلد از مرزهای تئوری فراتر رفته و پا به دنیای واقعی سینما می‌گذاریم. درواقع، جلد دوم میدان عمل آموخته‌های جلد اول است. این بخش، خواننده را به سفری در سینمای جهان می‌برد؛ از آمریکا و هالیوود صنعتی گرفته تا اروپا با سنت فکری و موج‌های نوآورانه‌اش، از آسیای شرقی با زیبایی‌شناسی منحصربه‌فرد و سکوت شاعرانه‌اش تا سینمای ایران با نگاه واقع‌گرایانه و فیلم‌های موج‌نو.»

عباسی تأکید می‌کند: «نقطه‌اوج جلد دوم اما بخش پایانی آن است؛ جایی که با تکیه بر تمام مبانی جلد اول، به نقد و تحلیل آثار شاخص تاریخ سینما پرداخته‌ام و از منظر شخصی خودم، این فیلم‌ها را کالبدشکافی کرده‌ام. از کلاسیک‌های هالیوود تا درام‌های اروپایی، از سینمای شرق تا آثار ماندگار ایران؛ هر نقد، یک مکاشفه تازه در دل قاب‌هاست.»

پژوهشگران در سال‌های آینده به آن استناد کنند." همین‌که متربالی به عنوان یک سنجه وجود داشته باشد، بسیار قابل اعتنا است. این می‌تواند آغازی برای کارهای بعدی باشد. اگر کسی فکر می‌کند کتاب اشکالاتی دارد که به گمان من دارد، آن را حرفه‌ای نقد و برطرف کند یا کتاب خود را درست‌تر بنویسد.»

پژوهشگران در سال‌های آینده به آن استناد کنند." همین‌که متربالی به عنوان یک سنجه وجود داشته باشد، بسیار قابل اعتنا است. این می‌تواند آغازی برای کارهای بعدی باشد. اگر کسی فکر می‌کند کتاب اشکالاتی دارد که به گمان من دارد، آن را حرفه‌ای نقد و برطرف کند یا کتاب خود را درست‌تر بنویسد.»

کتابی برای عبور از تماشای فیلم به درک و نوشتن

حانیه عباسی، نویسنده «مکاشفه در قاب‌ها»، شکل‌گیری این کتاب را حاصل تجربه شخصی خود در مسیر یادگیری نقد فیلم می‌داند و می‌گوید: «ایده نگارش این کتاب ریشه در تجربه شخصی‌ام داشت، به‌عنوان کسی که سال‌هاست در مسیر یادگیری نقد فیلم گام برداشته است. همواره با دو چالش اساسی مواجه بودم: نخست، حجم بسیار بالای منابع نظری که گاه چنان قطورو پیچیده بودند که مخاطب تازه‌کار را از ادامه مسیر بازمی‌داشتند؛ و دوم، استفاده نادرست و گاه جابه‌جای مفاهیمی همچون نقد، تحلیل، یادداشت و مرور. بسیاری از نوشته‌هایی که با عنوان نقد منتشر می‌شوند، در واقع یا خلاصه داستان هستند یا ابراز سلیقه شخصی و از عمق روش‌شناختی لازم بی‌بهره‌اند. این آشفتگی مفهومی، جرقه اولیه تألیف را در ذهن من ایجاد کرد.» او ادامه می‌دهد: «تصمیم گرفتم به جای گلایه از نبود منبعی مناسب، خودم دست‌به‌کار شوم و حاصل سال‌ها مطالعه، تأمل و تجربه عملی‌ام را در قالبی منسجم و بازبانی ساده برای مخاطب ارائه دهم؛ کتابی که نه آن قدر حجیم باشد که خواننده را خسته کند و نه آن قدر سطحی که تشنه دانستن را سیراب نسازد.»

کشف معنا در آنچه می‌بینیم

عباسی درباره عنوان کتاب توضیح می‌دهد: «انتخاب این عنوان برای من بسیار حساب‌شده بود. واژه "مکاشفه" در ذات خود، بار مفهومی عمیقی دارد؛ به معنای آشکار شدن امری پنهان و پرده‌برداشتن از رازی که در پس ظاهر آشیا نهفته است. این واژه رسالت اصلی نقد فیلم را به بهترین شکل تبیین می‌کند. نقد حرفه‌ای، صرفاً توصیف آنچه روی پرده می‌بینیم نیست؛ بلکه تلاشی است برای کشف الگوها، معناها و لایه‌های پنهانی که فیلم‌ساز در دل قاب‌ها جای داده است. این کشف، نیازمند دقتی موشکافانه و نگاهی عمیق‌تر از تماشای سطحی است.»

این منتقد جوان ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر، "قاب‌ها" اشاره‌ای است به همان عنصر بنیادین سینما: قابی که هر لحظه از فیلم را در خود محصور می‌کند. در واقع، "مکاشفه در قاب‌ها" یعنی کشف معنا در همان چیزی که می‌بینیم، اما شاید به درستی نمی‌نگریم. این عنوان، تلاشی بود برای اینکه مخاطب از همان ابتدا بداند قرار است با کتابی مواجه شود که از تماشا، به درک و از درک، به نوشتن می‌رسد.»

نویسندگان اصفهانی فراوان شده؛ حتی شاید اغراق نباشد که بگوییم برای جلسات نقد و رونمایی فیلم‌ها اهالی نقد کمتر به اصفهان می‌آیند؛ چون معتقدند اصفهان خودش اهل فن دارد.» او در این زمینه از علیرضا راوحی، محمد بزرگ، احسان امینی، سیاوش گلشیری، هومن نادری، مینا ایران‌فدا، حانیه عباسی، مهدی صفری و الهام باطنی به‌عنوان شماری از فعالان حوزه نقد و پژوهش سینمایی در اصفهان نام می‌برد و می‌گوید: «جای شکر دارد که اصفهان در این خصوص گام‌های بزرگی برداشته است.»

نقد و موضع سینماگران در برابر منتقدان

حیدری درباره میزان استقبال سینماگران اصفهانی از نقد و تحلیل آثارشان، این مسئله را محدود به اصفهان نمی‌داند و توضیح می‌دهد: «رودرویی فیلمساز و منتقد در همه دنیا سابقه‌ای تاریخی دارد. فیلمساز معمولاً فکر می‌کند بهترین اثرش را ساخته و برای دفاع از اثر و شرایطش توجیهاتی می‌آورد که اغلب با منطق نقد سازگار نیست. جذابیت نقد هم به همین رودرویی است و به جذابیت سینما هم کمک می‌کند. درصد بسیار کمی هستند که نقد‌ها را می‌پذیرند.

او در ادامه درباره وظیفه منتقد خاطرنشان می‌شود: «البته گاهی منتقد نیز دیدگاه شخصی خود را بیان می‌کند و می‌گوید اگر فیلم این‌طور می‌شد، بهتر بود. اما این اشتباه است و منتقد فقط باید درباره فیلمی که اکنون تولید شده صحبت کند.»

مصطفی حیدری یکی از مسائل نقد سینمای ایران را محدود شدن آن به برخی رویکردها می‌داند و اظهار می‌کند: «نقد سینمای ایران بیشتر در دو گونه خلاصه شده است: غیر از یادداشت‌ها، نقد ژورنالیستی، و نقد فرمالیستی که از سوی آدم‌هایی مانند مجید اسلامی یا مسعود فراستی و... که براساس کتاب "هنر سینما" دیوید بوردول شکل گرفت. نقد‌ها در بهترین حالت این‌گونه است. نقد فرمالیستی که اتفاقاً اگر به آن درست توجه شود، می‌گوید در گام اول باید آنچه به عینه در تصویر می‌بینید، نقد کنید؛ یعنی همان بحث فرم و محتوا که بسیار حائز اهمیت است.»

او ادامه می‌دهد: «رویکردهای نقد دیگر هم وجود دارد؛ اما چون بیشتر توجه‌ها به همین دو رویکرد رفته است، حرف‌ها تکراری و گاه سلیقه‌ای است. به همین دلیل، وقتی به انواع مختلف نقد رجوع نکنیم، به تکرار می‌افتیم. به دنبالش، فیلمساز گارد می‌گیرد و تأثیر نقد به مفقواشدن فیلم و درآمدن یا نیامدن فیلم و خوب بودن یا بد بودن بازی‌ها و... فروکاسته می‌شود. پس نقد ما به جهش نیاز دارد و نخستین گام آن، آشنایی با انواع نقد و رویکردهای گوناگون است.» حیدری درباره تأثیر انتشار چنین کتابی در اصفهان و از سوی یک منتقد جوان بر تقویت فرهنگ نقد فیلم در شهر می‌گوید: «زمانی که داشتیم روی کتاب "سینما به روایت اصفهان" کار می‌کردیم، از استاد عباس بهارلو، از منتقدان و پژوهشگران برگزیده ایران که اسامال نیز جایزه کتاب سال سینمایی را دریافت کرد، درباره موضوعی که در خصوص آن شک داشتیم پرسیدیم؛ ایشان گفت: "اگر شکتان بیشتر به اشتباه بودن است، ننویسید؛ اگر بیشتر به درست بودن است، بنویسید؛ چون حداقل متنی خواهد بود که



سیده نوگس نظام‌الدین

دبیر گروه هنر و ادبیات

نقد فیلم در سال‌های اخیر با هدف اصلی‌اش فاصله گرفته و از معنا پوچ شده است؛ تا جایی‌که گاهی بیان سلیقه شخصی و گاهی چند جمله درباره خوب یا بد بودن یک اثر، با عنوان نقد و تحلیل منتشر می‌شود. در چنین وضعی، بازگرداندن نقد به معنای واقعی خود و آشنا کردن مخاطبان با شیوه‌ها و رویکردهای درست نقد و تحلیل فیلم، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. کتاب‌ها و منابع آموزشی می‌توانند در این مسیر نقش مهمی داشته باشند؛ به‌ویژه آناری که مفاهیم تخصصی را به زبانی قابل فهم آموزش می‌دهند و مخاطب را از تماشای صرف فیلم به مواجهه‌ای دقیق‌تر و تحلیلی با آن می‌رسانند.» مکاشفه در قاب‌ها؛ راهنمای جامع نظری و عملی نقد فیلم» نوشته حانیه عباسی، منتقد جوان اصفهانی، با همین رویکرد در دو جلد منتشر شده است. این اثر از مبانی نقد و زبان سینما آغاز می‌کند و به بررسی جریان‌های سینمایی و تحلیل آثار شاخص می‌رسد. انتشار این کتاب از سوی یک نویسنده جوان، در کنار محتوای آموزشی آن، می‌تواند به تقویت جریان نقد مکتوب در اصفهان نیز کمک کند؛ شهری که به گفته مصطفی حیدری، منتقد و کارشناس سینما، در سال‌های اخیر جایگاه قابل‌توجهی در این حوزه پیدا کرده است.■

ساده‌نویسی بدون ساده‌انگاری

مصطفی حیدری درباره قوت اصلی «مکاشفه در قاب‌ها» می‌گوید: «نویسنده نام مناسبی برای کتاب برگزیده‌است. نکته دوم اینکه ایشان معلم است و همین باعث شده کتاب رازبان ساده بنویسد تا برای مخاطب غیرحرفه‌ای یا حتی مخاطبی که در ابتدای راه است و برای اولین بار با مفاهیم نقد و تحلیل روبه‌رو می‌شود، متن دشوار نباشد؛ به‌ویژه در جلد اول. البته ساده‌نویسی به معنای ساده‌انگاری نیست؛ تقریباً همه مفاهیم نقد در کتاب آمده و در عین حال فهم است و از اصطلاحات پیچیده پرهیز شده است. به همین دلیل، برای رسیدن به مفاهیم ساده و درک مفهوم نقد برای ابتدای مسیر، کتاب مناسبی باشد.

حیدری در عین حال، مهم‌ترین ملاحظات خود را متوجه جلد دوم می‌داند: «منابع غنی‌تری وجود داشت که می‌توانست به غنای کتاب کمک کند؛ اما با استفاده نشده و از کار مطالعه شده بود، به آن‌ها رجاع داده نشده است. بنابراین، فقدان منابع برتر و دست‌اول "یکی از ایرادات است. افزون بر این، جلد دوم درباره سینمای کشورهای مختلف است؛ درحالی‌که کتاب "تاریخ سینما" اثر دیوید بوردول و کریستین تامسون، ترجمه روبرت صافاریان، به‌صورت مبسوط به سینمای کشورها پرداخته است. اما در این کتاب به برخی فیلم‌های بسیار مهم یا فیلم‌سازان مهم‌تر اشاره‌ای نشده است. به‌ویژه در حوزه سینمای ایران. در مجموع، جلد دوم به بازنویسی اساسی‌تر نیاز دارد.»

مکتوب شدن نقد، نخستین شرط

شکل‌گیری جریان نقد

حیدری ورود نسل جوان را به حوزه تألیف، پژوهش و نقد سینما مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «نخستین شرط نقد، مکتوب شدن است. نقد‌ها ما معمولاً شفاهی و شامل مفاهیم کلی است و حتی در حد نقد ژورنالیستی نیز نیست. بازنده نوع نقد وجود دارد؛ همچون نقد نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی و تحلیلی تا نقد ژورنالیستی و سینه‌فیلی و... . اینکه نویسنده به‌طور مشخص در حوزه نقد متمرکز شده، یک برگ برنده است و هرچه جلوتر می‌رود، نقد‌های حرفه‌ای‌تر می‌شود؛ چون نوشتن نقد اصلاً کار آسانی نیست.»

او ادامه می‌دهد: «تمرکز در این حوزه، آن‌هم در شهری غیر از پایتخت، اهمیت بسیاری دارد. حتی با در نظر گرفتن ضغف‌های کتاب، اینکه پژوهشگر جرئت قرار گرفتن در معرض قضاوت گرفتن را به خود داده تحسین می‌کنم. ایشان در جدبضاعت خود تلاش کرده‌ساده‌روان بنویسد و در مقدمه و بدون هیچ ادعایی گفته که می‌خواستم با فیلم‌ها مواجه شوم. ما پیش‌تر در اصفهان دوره‌های نقد داشته‌ایم، اما هیچ‌گاه مکتوب نشده بود و مکتوب شدن آن بسیار مهم است.»

اصفهان؛ دومین شهر نقد بعد از پایتخت

حیدری در ادامه درباره وضعیت نقد فیلم در اصفهان و اینکه آیا این شهر توانسته به یک جریان مستمر در این زمینه دست پیدا کند، توضیح می‌دهد: «مرحوم ژاؤون فوق‌الایش تا زمانی که در قید حیات بود، نقد را که بیشتر رویکرد گفت‌وگومحوری داشت دنبال می‌کرد که در کتاب‌هایش نیز نمایان بود. پس از ایشان واقعاً کسی نبود که به‌طور مشخص در حوزه نقد کار کرده باشد. اما در دفتر تخصصی سینمای شهرداری اصفهان از سال ۱۳۹۶، سه سال دوره "آشنایی با مبانی نقد در سینما و هنرهای تصویری" برگزار کردیم و با استایدی شاخص در این زمینه کار کردیم. بعد از آن دوره‌ها، به‌نظرم امروز اصفهان پس از تهران، و حتی فعال‌تر از مشهد و شیراز، دومین شهر کشور در حوزه نقد است و جایگاه ما نسبت به گذشته بسیار بهتر شده؛ اما هنوز جای کار دارد.» این کارشناس سینما می‌افزاید: «در مجلات نیز نام